روزنامهٔ الکترونیکی
مجاهد

پیام ماندگاری و استواری اشرف
صورت مسألهٔ سرنگونی نظام آخوندی است

سخنرانی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران در بزرگداشت بیست‌وهفتمین سالگرد ۲۲بهمن و بیست‌وچهارمین سالگرد ۱۹بهمن، عاشورای مجاهدین در اشرف

در صفحهٔ ۳

MOJAHED Online Newspaper No: 65 February. 15, 2006

شمارهٔ ۶۵ ـ چهارشنبه ۲۶بهمن ۱۳۸۴

تظاهرات اعتراضی دراویش نعمت‌الهی در قم

خانم رجوی جامعه جهانی را به محکوم کردن سرکوبی دراویش نعمت‌الهی فراخواند

تظاهرات هزاران تن از دراویش نعمت‌اللهی گنابادی و شمار زیادی از مردم قم، به درگیریهای گسترده با نیروهای سرکوبگر رژیم کشیده شد و شهر قم را به حالت تعطیل درآورد.

به گزارش دریافتی بیش از سه هزار تن از دراویش نعمت‌اللهی گنابادی که از شهرهای مختلف کشور به قم رفته بودند، روز دوشنبه در خیابان ارم این شهر دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات به دنبال تصرف مرکز دراویش نعمت‌اللهی توسط رژیم آخوندی و برای باز پس‌گیری آن صورت گرفت. شهرداری رژیم آب، برق و گاز این مرکز را قطع کرده و مقابل درِ آن تیغه کشیده بود. این اقدام خشم دراویش را علیه حکومت آخوندی برانگیخت.

به منظور زمینه چینی برای سرکوبی وحشیانه دارویش، یک آخوند جنایتکار به نام شهشهانی که مغز متفکر قتلهای زنجیره‌یی در کرمان است، در شهر قم به سخنرانی پرداخت و دراویش را «فرقه ضاله» و «گمراه» خواند و خواستار سرکوبی کامل آنان گردید. متعاقباً مأموران اطلاعاتی، امنیتی، انتظامی و لباس شخصی رژیم به معترضین یورش بردند. آنان محل تحصن دراویش در حسینیه شریعت را به محاصره درآورده و اقدام به شلیک گاز اشک‌آور نمودند.

در صفحهٔ ۲

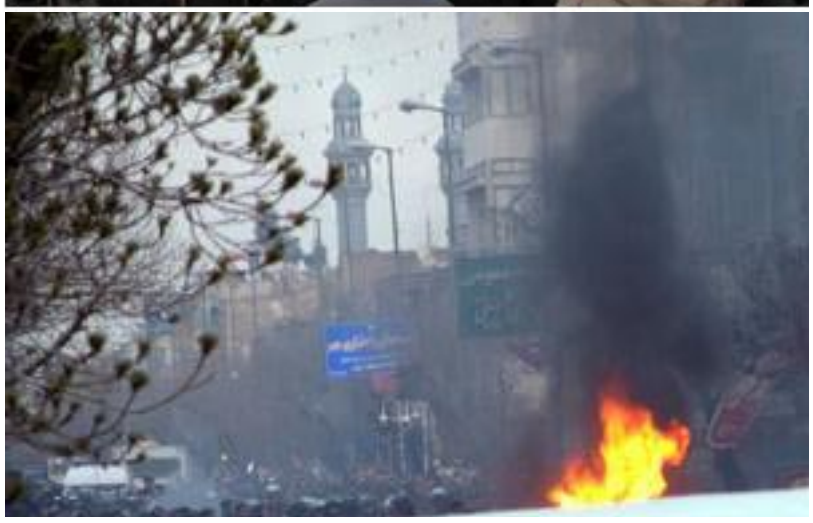

فراخوان جهانی برای حمایت از کارگران در ایران

روز چهارشنبه ۲۶بهمن روز جهانی حمایت از کارگران ایران اعلام شده است.کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد(ICFTU) و فدراسیون اتحادیه‌های جهانی اعلام کردند از تشکلهای کارگری وحقوق‌بشری در سطح جهان خواسته‌اند در این روز به تظاهرات اعتراضی علیه رژیم آخوندی، و به حمایت از کارگران دستگیر شده شرکت واحد بپردازند. متعاقباً تعداد دیگری از اتحادیه‌ها و فدراسیونهای کارگری و حقوق‌بشری بین‌المللی به این فراخوان پیوستند. و حمایت خود را از این تظاهرات اعلام کردند.

خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت، طی پیامی با قدردانی از همبستگی داخلی و بین‌المللی با کارگران شریف و دلیر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و فراخوانهای همبستگی و تظاهرات در حمایت از کارگران ایران، از هموطنانمان در داخل و خارج کشور خواستار گسترش حمایت از کارگران شرکت واحد و به‌خصوص صدها کارگر شریف دستگیر شده توسط ارگانهای سرکوبگر حاکمیت آخوندی، گردید و هم‌چنین از ایرانیان مقیم خارج کشور خواستار مشارکت فعال در اعتراضات جهانی و همبستگی بین‌المللی با کارگران ایران شد و از آنان خواست که به هر وسیله که می‌توانند صدای مظلومیت کارگران ستمدیده ایران به ویژه کارکنان شریف شرکت واحد اتوبوسرانی تهران را به گوش جهانیان برسانند.

سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز تمامی کارگران شرکت واحد را فراخواند که همزمان با اعتراضات جهانی در مقابل مجلس رژیم تجمع اعتراضی بر پا کنند. در این فراخوان آمده است:

«کارگران شرکت واحد روز چهار شنبه ۲۶ بهمن ساعت ۱۰ صبح همزمان با تظاهرات جهانی در حمایت از کارگران شرکت واحد در برابر مجلس تجمع خواهند کرد و بر آزادی همه دستگیرشدگان و سایر خواستهای خود پافشاری می‌کنند. از تمامی دانشجویان، کارگران و دیگر اقشار مردم دعوت کرده‌اند که در این تجمع شرکت کنند و همبستگی خود را با مبارزات کارگران اعلام دارند و خواهان آزادی تمامی کارگران زندانی شوند».

بنا به گزارشهای رسیده ۲۴بهمن نیز بیش از ۱۰۰نفر از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، که رژیم مانع ادامه کار آنها شده، در مقابل وزارت کار شرق تهران واقع در خیابان دماوند، یک تجمع اعتراضی برپا کرده و خواهان بازگشت کلیه رانندگان برسر کار شدند.

در صفحهٔ ۲

رژیم آخوندی فشار و شکنجه علیه زندانیان مقاوم را افزایش داده است

رژیم درمانده آخوندی در محاصره بحرانهای درونی و بین‌المللی خود، فشار و شکنجه علیه زندانیان مقاوم را افزایش داده است. برخی زندانیان مجاهد مانند حجت زمانی از هفته گذشته ناپدید شدند و هنوز اطلاع موثقی درباره سرنوشت آنها در دست نیست.

شماری اززندانیان مجاهد نیز از شهرستانها به تهران منتقل گردیده‌اند تا برای وادار کردن آنها به ندامت و مصاحبه تلویزیونی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران، مجدداً تحت فشار و شکنجه قرار بگیرند.

دژخیمان زندان گوهردشت از جمله دژخیم حاج کاظم، سرکرده زندان، در مورد فعل و انفعالات مشکوکی که درآستانه تاسوعا و عاشورای حسینی در گوهردشت واقع شده بود، به زندانیان گفته‌اند حجت زمانی را به دار کشیدیم و بقیه را هم خواهیم کشت.

به قرار اطلاع رژیم مراجعات خانواده زمانی برای خبردار شدن از سرنوشت حجت را تا روزیکشنبه، ۲۳بهمن، بدون جواب گذاشته و آنها بیهوده از زندان به دادسرای تهران احاله داده شده‌اند .

بر طبق یک خبر دیگربه نقل از زندانیان گوهردشت، عمادالدین باقی در روز یکشنبه ۱۶ بهمن در زندان گوهردشت با حجت زمانی ملاقات حضوری داشته و از وی خواسته درخواست عفو بنویسد اما حجت از این امر سرباز زده و گفته است که من چنین کاری نخواهم کرد .

مجاهد خلق حجت زمانی از اوائل سال ۱۳۸۰ در شکنجه‌گاههای رژیم آخوندی در اسارت بسر می‌برد. حجت، برادر کوچکتر پهلوان خزعل زمانی، پهلوان نامدار ارتش آزادیبخش ملی است. پهلوان خزعل در سال۱۳۷۸ در کوهستانهای ایلام دریک نبرد قهرمانانه با مزدوران رژیم پلید آخوندی به شهادت رسید. برادر دیگر پهلوان خزعل، مجاهد خلق فلّاح زمانی در اسفند ۱۳۷۹ در هفت چشمه در ایلام توسط مزدوران دشمن به شهادت رسید.

در صفحهٔ ۲

یادداشت روز

گامی فراتر از گستاخی

همان موقع که کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد پس از دیدار با جرج بوش رئیس جمهور آمریکا، از دیکتاتوری آخوندی می‌خواست که «هیچ گامی در جهت تشدید اوضاع» برندارد، خبرگزاریها از «آغاز غنی سازی اورانیوم در سایت نطنز» خبر دادند. همان‌موقع که دومنیک دوویلپن نخست‌وزیر فرانسه در آستانه سفرش به مسکو گفت «که جامعه بین‌المللی تمایل دارد با ایران درباره‌ی مسأله‌ی هسته‌یی مذاکره کند؛ در صورتی که تهران گامهایی را در این راستا بردارد»، سخنگوی دولت پاسدار احمدنژاد به‌گونه‌یی دو پهلو خبر«لغو» ملاقات مقامات رژیم و دولت روسیه را که قرار بود پنجشنبه ۱۶ فوریه صورت گیرد، اعلام کرد. یک‌روز بعد از اظهارات وزیر خارجه آلمان که گفت«آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان نیز به مانند او به دنبال راه‌حلی دیپلوماتیک برای مسأله هسته‌یی ایران است»، پاسدار رحیم صفوی قلدرمنشانه گفت «ما باید با تمام توان و قدرت و ایستادگی در برار آنها بایستیم». و قبل از او هم پاسدار جعفری «فرمانده عملیات استشهادی» نظام وقیحانه تهدید کرد که «همه‌جا به آتش کشیده می‌شود» و «ما در برابر دشمن فقط با حربه عملیات استشهادی می‌توانیم پیروز شویم».

بقیه در صفحهٔ ۲

در صفحات دیگر

محمد محدثین در مصاحبه با روزنامه بوستون گلوب: حمله نظامی راه حل مشکل ایران نیست

بوستون گلوب در شماره روز یکشنبه، ۲۳بهمن ۸۴، نوشت: محمد محدثین مسئول کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران، گروه اصلی اپوزیسیون، در یک مصاحبه تلفنی از پاریس گفت: «حمله نظامی راه حل نیست». وی افزود: «رژیم مطلقا روی واکنشهای غیرمتعارف متمرکز است و حملات موشکی و تروریستی محور اصلی را تشکیل می‌دهد».

آنفلوآنزای مرغی ایران را فرامی‌گیرد

اسکای نیوز روز سه‌شنبه ۲۵بهمن گزارش داد نتایج آزمایشهایی که توسط آزمایشگاههای بین‌المللی انجام شده است نشان می‌دهد که ۱۳۵ قو که در انزلی مرده‌اند در اثر ابتلا به ویروس آنفلوآنزای مرغی بوده است.

چند پرسش و پاسخ پیرامون ارجاع پرونده اتمی رژیم به شورای امنیت

گزیده‌یی از پرسش و پاسخهای مطرح‌شده با دکتر منوچهر هزارخانی در برنامه ارتباط مستقیم سیمای آزادی ـ تلویزیون ملی ایران، که روز چهارشنبه ۱۲بهمن۸۴ برگزار گردید

در صفحه۷

برگزاری مراسم ۱۹و ۲۲بهمن در کشورهای مختلف

در این شماره گزارش برگزاری این مراسم در واشینگتن، برکلی، دالاس ، سیدنی، ونکوور، بروکسل و اسلو را مشاهده می کنید

در صفحات ۵ و۶

رژیم آخوندی رسماً تأیید کرد که غنی‌سازی اورانیوم را از سرگرفته است

جواد وعیدی، معاون بین‌المللی شورای عالی امنیت رژیم آخوندی به‌طور رسمی اعلام کرد که رژیم روند غنی سازی اورانیوم را از سرگرفته است. به گزارش خبرگزاری رژیم وی گفت: «ایران در حال تولید انبوه گاز هگزا فلوراید است».

در صفحهٔ ۲

طرح مشترک رژیم و سوریه برای تغییر نقشه لبنان افشا گردید

ولید جنبلاط نماینده مجلس لبنان طی یک کنفرانس مطبوعاتی طرح مشترک رژیم و لبنان را افشا کرد.

در صفحه۲

جبهه توافق عراق عدم رضایت خود را از نتایج انتخابات عراق اعلام کرد

این جبهه طی اطلاعیه‌یی خواستار برکناری کمیساریای انتخابات به دلیل تزویر و تقلبهای انتخاباتی و بیطرف نبود در یک موضوع بسیار حساس گردید.

در صفحه۲

مقالات

ـ آغوش کوهستانی طارق
ـ اسطوره‌یی در آسمانهای رؤیاهای من
احمد محکمی،اشرف
صفحهٔ۷

اطلاعیه‌های شورای ملی مقاومت

خانم مریم رجوی جامعهٔ بین‌المللی را به محکوم‌کردن سرکوبی تظاهرات دراویش نعمت‌اللهی و جوانان قم را به حمایت از آنان فراخواند

تظاهرات اعتراضی هزاران تن از دراویش نعمت‌اللهی و شمار زیادی از مردم قم، با یورش نیروهای سرکوبگر مواجه شد و به درگیریهای گسترده بین مردم و مزدوران رژیم آخوندی در مناطق مختلف قم انجامید و شهر به‌حالت تعطیل درآمد. این تظاهرات و درگیریها که از دیروز آغاز شده است هم‌چنان ادامه دارد.

این تظاهرات در اعتراض به تصرف مرکز دراویش نعمت‌اللهی توسط رژیم آخوندی و برای بازپس‌گیری آن صورت گرفت. بیش از سه هزار تن از دراویش به‌همین منظور روز دوشنبه به‌شهر قم وارد شده و دست به‌تظاهرات زدند. ایادی رژیم، آب و برق و گاز مرکز دراویش را قطع کرده و در مقابل آن دیوار کشیده بودند.

نیروی انتظامی با استقرار یگان ویژهٔ ضربت، تلاش کرد تا این ناآرامی را کنترل نماید. مأموران هم‌چنین ماشینهای آتش‌نشانی را به‌محل برده بودند تا با پاشیدن آب جمعیت را متفرق سازند. پاسدار جنایتکار سجادی، سرکردهٔ نیروی انتظامی قم در صحنه حضور داشت تا بر سرکوبی تظاهرات نظارت کند. اما به‌رغم تدابیر سرکوبگرانه، دراویش نعمت‌اللهی، که شمار زیادی از مردم قم نیز به‌آنان پیوسته بودند، با سردادن شعارهای ضدحکومتی و پرتاب سنگ و آجر به‌سوی مأموران انتظامی، به‌مقابله با آنان پرداختند.

آخرین گزارشها حاکی است، امروز رژیم آخوندی گله‌های اراذل و اوباش و چماقدار خود را با شعار «مرگ بر منافق» روانهٔ خیابانهای قم کرده تا به مقابله با تظاهرکنندگان بپردازند. این مزدوران که شمار آنان بالغ بر ۲۰۰۰نفر بود در خیابانها عربده می‌کشیدند که «قم جای منافقین نیست».

در جریان درگیریهای روز گذشته بیش از ۵۰۰تن از دراویش معترض و خانواده‌هایشان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم دستگیر و به‌محل نامعلومی منتقل شده‌اند و یک حکومت نظامی اعلام نشده در قم برقرار شده است. بسیاری از مغازه‌ها و پاساژهای شهر تعطیل است.

خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران، عموم سازمانهای مدافع حقوق‌بشر را به محکوم کردن سرکوبی وحشیانه دراویش نعمت‌اللهی و اعمال تبعیض سیستماتیک علیه اقلیتهای مذهبی فراخواند. وی افزود رژیم ضدبشری آخوندی برای حفظ حاکمیت ننگین خود، به موازات صدور تروریسم و بنیادگرایی و تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی، نقض حقوق‌بشر و سرکوبی اقشار مختلف مردم ایران را افزایش می‌دهد. صدها تن از رانندگان و کارکنان شرکت واحد تهران بیش از دو هفته است در زندان به‌سر می‌برند.

خانم رجوی با تأکید بر روح تفاهم و برادری و همزیستی که ملت ایران در طول تاریخ خود به آن شناخته شده است، از عموم هموطنان به‌ویژه جوانان قم خواست تا به حمایت از دراویشی که تحت ستم مضاعف فاشیسم مذهبی آخوندی قرار دارند، قیام کنند.

دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت ایران
۲۵بهمن ۱۳۸٤ (۱٤فوریهٔ۲۰۰٦)

رژیم آخوندی در یک اقدام سرکوبگرانه به ضرب و شتم پیروان سلسله نعمت‌الهی درقم پرداخت و یک حکومت نظامی اعلام ناشده برقرار نمود

بقیه از صفحه اول

نیروی انتظامی با استقرار یگان ویژه ضربت و قرار دادن ۱۰دستگاه اتوبوس، تلاش کرد تا این ناآرامی گسترش نیابد. مأموران سرکوبگر هم‌چنین ماشینهای آتش‌نشانی را به محل برده بودند تا با پاشیدن آب جمعیت را متفرق سازند. پاسدار جنایتکار سجادی، سرکرده نیروی انتظامی قم، در صحنه حضور داشت و برسرکوبی تظاهرکنندگان نظارت می‌کرد. اما به رغم این اقدامات سرکوبگرانه، دراویش نعمت‌اللهی که شمار زیادی از مردم نیز به آنها پیوسته بودند، با سردادن شعارهای ضد حکومتی و پرتاب سنگ و آجر به سوی مأموران نیروی انتظامی، به مقابله با آنان برخاستند. شمار زیادی از تظاهرکنندگان توسط مأموران سرکوبگر رژیم دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل گردیدند.

بنا به این گزارش، دود ناشی از آتش زدن پتوها برای مقابله با گاز اشک‌آور سراسر منطقه را فراگرفته بود. این گزارشها هم‌چنین حاکی است، در این درگیریها چند نفر از مأموران نیروی انتظامی مجروح شدند.

براساس این گزارشها رژیم آخوندی یک حکومت نظامی اعلام نشده را در قم برقرار کرده و بسیاری از مغازه‌ها و پاساژهای شهر نیز تعطیل هستند.به علت بزرگی ابعاد این اعتراضات و درگیریها، مقامات و مطبوعات حکومتی ناچار به اعتراف به گوشه‌یی از آنها شدند.

علی جنتی معاون سیاسی وزارت کشور کابینه پاسدار احمدی‌نژاد به منظور توجیه وحشیگری مأموران رژیم گفت: یک عده صوفیه چند روزی است در حسینیه شریعت که خودشان ساخته‌اند متحصن شده اند که یک عده دیگر راه افتادند تا آنها را بیرون کنند. امیرحسین مطهر مدیر کل امنیتی وزارت کشور نیز با وقاحت مدعی شد: ساختمانی تحت عنوان منزل مسکونی بود که چون تغییر کاربری داده بود، در آن درگیری به‌وجود آمد.

روزنامه حکومتی جمهوری در شماره ۲۵بهمن خود ضمن درج این خبر نوشت: «دراویش قم، روز دوشنبه در خیابان ارم قم و کوچه منتهی به خانقاه، برای باز پس گیری خانقاه تجمع اعتراضی برپا کردند اعتراض دراویش در پی اقدام شهرداری قم و تیغه نمودن درِ خانقاه صورت گرفت و خانقاه زیر نظر شورای تأمین در اختیار هیأتهای عزاداری قرار داد».

رژیم آخوندی رسماً تأیید کرد که غنی‌سازی اورانیوم را از سر گرفته است

جواد وعیدی معاون بین‌المللی شورای عالی امنیت رژیم آخوندی به طور رسمی اعلام کرد که رژیم روند غنی‌سازی اورانیوم را از سر گرفته است. به گزارش خبرگزاری رژیم (ایرنا)۲۵بهمن، وعیدی گفت «ایران در حال تولید انبوه یواف-٦ (گاز هگزافلوروئید اورانیوم) است و بر اساس مصوبه مجلس و دستور رئیس‌جمهوری، تأسیسات نطنز غنی‌سازی اورانیوم را از سر می‌گیرد».

همان‌طور که ۲٤بهمن خبرگزاریها گزارش کردند، تزریق گاز UF_6 به تعدادی از سانتریفوژها در نطنز روز دوشنبه ۲٤بهمن آغاز شد و به این ترتیب آخرین حلقه از تعلیق فعالیتهای هسته‌یی به طور علنی شکسته شد. سخنگوی دولت احمدی‌نژاد هم ۲٤ بهمن در مصاحبه‌یی این خبر را تأیید کرد و گفت:« فعالیتهای غنی‌سازی شروع شده است».

روزنامه متعلق به پاسدار شریعتمداری (کیهان ۲۵بهمن)نوشت: «در نطنز تعداد ۱٦٤ماشین سانتریفیوژ وجود دارد که تمامی آنها از اکتبر ۲۰۰۳ تا امروز توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مهروموم شده و فعالیت آنها متوقف گشته بود. اکنون و به‌دنبال ارائه گزارشی از پرونده هسته‌یی ایران از جانب شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت تهران تصمیم گرفته است فعالیتهایی را که داوطلبانه و بدون الزام حقوقی به حال تعلیق درآورده بود، از سر بگیرد».

کیهان هم‌چنین نوشته است: «در همین راستا دو روز پیش گروهی از بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وارد ایران شدند تا بر چند اتفاق مهم در ایران نظارت کنند: اول برداشتن مهروموم ماشینهای سانتریفوژ در نطنز و نظارت بر فرآیند تزریق گاز جهت غنی‌سازی اورانیوم. دوم جمع‌آوری برخی دوربینها که مطابق پروتکل الحاقی در تأسیسات هسته‌یی ایران نصب شده بود و اکنون ایران تصمیم گرفته اجرای داوطلبانه آن‌را متوقف کند. و سوم بحث درباره چند ابهام فنی جزئی که آژانس ادعا می‌کند هنوز در پرونده ایران وجود دارد».

مداخلات رژیم آخوندی

جبهه توافق عراق عدم رضایت خود را از نتایج نهایی انتخابات را اعلام کرد

جبهه توافق عراق با صدور بیانیه‌یی عدم رضایت خود از نتایج نهایی انتخابات این کشور را اعلام کرد و خواستار برکناری کمیساریای انتخابات به دلیل تزویر و تقلبهای انتخاباتی و بیطرف نبودن در یک موضوع ملی و بسیار حساس گردید

تلویزیون الشرقیه ۲٤ بهمن با اعلام این خبر افزود: جبهه توافق عراق با ابراز تأسف از بیطرف نبودن و مشکوک بودن هیأت قضایی، اعلام کرد که این جنگ را به عرصه بین‌المللی خواهد کشانید و خواستار دخالت سازمانهای بین‌المللی برای رسیدگی به تقلبات انتخاباتی خواهد شد.

یادآوری می‌کنیم که رژیم آخوندی و عوامل آن در عراق، عامل اصلی تقلبات انتخاباتی که مورد اعتراض جریانها و احزاب مختلف عراقی است، شناخته شده اند.

عدنان الدلیمی: دولت وحدت ملی باید متشکل از تمام طیفهای مردم عراق باشد

عدنان الدلیمی رئیس کنگره اهل عراق بعد از انتخاب ابراهیم جعفری روز ۲۳ بهمن به تلویزیون الحره گفت: «عبدالعزیز حکیم باید این را درک کند که انحصارطلبی در قدرت مشکل عراق و مردم عراق را حل نمی‌کند بلکه آن‌چه که مشکل عراق و عراقیان را حل می‌کند یک توافق ملی است».

وی هم‌چنین طی مصاحبه‌یی با تلویزیون الجزیره در روز ۲۳ بهمن گفت: «از نظر ما دولت وحدت ملی باید متشکل از تمام طیفهای مردم عراق باشد. دولتی متوازن باشد و به یک مذهب از مذاهب اجازه ندهد که استبداد رأی داشته باشد و انحصارطلبی پیشه کند. ما اَعمال را می‌خواهیم و نه اَقوال. ما وعده‌یی که محقق نشود نمی‌خواهیم. می‌خواهیم خونریزی متوقف شود. می‌خواهیم که حاکمیت مذهبی متوقف شود. می‌خواهیم کوچ دادن اهل سنت از مناطق مشخصی در بغداد متوقف شود. می‌خواهیم حملات به خانه‌ها و دستگیرهای کور متوقف شود. این دستگیریها، مردم اهل سنت را هدف قرار داده و می‌خواهد آنها را به حاشیه براند... از همه جهان می‌خواهم از طرحهایی که با هدف به حاشیه راندن اهل سنت، بستن مساجد آنها، به قتل رساندن ائمه و مباح دانستن خون آنها اجرا می‌شوند، ممانعت به عمل آورند. من از کشورهای عربی و از سازمان ملل و از آمریکا می‌خواهم که چشمهایشان را باز کنند و اوضاع عراق را زیر نظر داشته باشند. ما می‌خواهیم دولت براساس عدل و انصاف عمل کند، زندانیان مرد و زن را آزاد کند، خونریزی را متوقف نماید و تمام اعمالی را که منجر به خشونت و تروریسم می‌شود متوقف کند.

رژیم آخوندی فشار و شکنجه علیه زندانیان مقاوم را افزایش داده است

بقیه از صفحه اول

ایادی رژیم در ۵ سال گذشته علاوه بر همه فشارها و محدودیتها و شکنجه‌ها، برای درهم شکستن روحیه ٔ مقاوم حجت زمانی، وی را چندین بار به میان زندانیان عادی با جرائم خطرناک منتقل کردند. حجت زمانی در سالهای ۸۳ و ۸٤چندین بار دست به اعتصاب غذا زد و خواستار رسیدگی به وضعیت مخوف زندانها و بررسی نقض گسترده ٔ حقوق بشر در ایران گردید.

یادآوری می‌کنیم که مزدوران رژیم در هفته‌های اخیر پس از ارجاع پرونده اتمی رژیم به شورای امنیت، زندانیان سیاسی مجاهد و مبارز را تهدید کرده بودند که با همان الگوی قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳٦۷ در زندانها دست به کشتار جمعی خواهند زد.آخونددژخیم، عباس علیزاده شخصاً این تهدید را درهفته‌های اخیر با شماری از زندانیان در میان گذاشته بود.

روز ۲۲بهمن شورای ملی مقاومت ایران نسبت به اعدام زندانیان سیاسی هشدار داد و سازمانهای مدافع حقوق بشررا به اقدام برای نجات جان زندانیان سیاسی مجاهد و مبارز فراخواند.

سازمان مجاهدین خلق ایران از شورای امنیت و دبیرکل ملل متحد و کمیسر عالی حقوق بشر و تمامی سازمانها و ارگانهای بین المللی مدافع حقوق بشر می‌خواهد رژیم پلید آخوندی را برای اطلاع از وضعیت و سرنوشت حجت زمانی پس از ۵ سال اسارت، به سؤال بکشند. اقدام فوری برای نجات جان زندانیان سیاسی، به‌خصوص زندانیان سیاسی با حکم اعدام و زندانیان ناپدید شده در این ایام، یک وظیفه بلادرنگ بین‌المللی است.

فراخوان جهانی برای حمایت از کارگران در ایران

بقیه از صفحه اول

مأموران نیروی انتظامی و مزدوران لباس شخصی در وحشت از گسترش این حرکت اعتراضی رانندگان معترض شرکت واحد را محاصره کرده و از پیوستن مردم به آنها جلوگیری کردند.

لازم به یادآوری است که روز یکشنبه ۲۳ بهمن نیز ۱۵۰نفر از رانندگان شرکت واحد از ساعت ۱۱ الی یک بعدازظهر در مقابل دفتر مرکزی شرکت واحد واقع درخیابان هنگام تجمع کرده و خواهان بازگشت بدون قید شرط به کار و آزادی کلیه همکاران خود شدند.

گزارشهای دریافتی هم‌چنین حاکی است، اعضای هیأت مدیره و فعالان سندیکای اتوبوسرانی تهران، درسلولهای انفرادی تحت بازجوییهای شبانه‌روزی قرار دارند. کسانی که از زندان آزاد شده‌اند مورد تهدید قرار گرفته که حق ندارند با هیچ یک از رسانه ها وحتی آشنایان خود از وقایعی که برآنها در زندان گذشته است صحبتی داشته باشند.

در روز ۲٤بهمن نیز مزدوران رژیم آخوندی یکی دیگر از فعالان سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به نام سیدرضا سیدوند را در منزلش دستگیر کرده و با خود برده‌اند.

اخبار کوتاه

دولت فرانسه رژیم را مسئول حمله به سفارت فرانسه، در تهران دانست

روز دوشنبه فرانسه رژیم آخوندی را متهم به کوتاهی در حفاظت از سفارت خود کرد، به دلیل حمله‌یی که در جریان تظاهرات و حمله سفارت فرانسه شد، نماینده رژیم را به پاریس احضار کرد توضیح دهد.

جین فرانکویز متهایی، سخنگوی وزارت امورخارجه فرانسه به خبرنگاران گفت «در جریان تظاهرات روز جمعه(به رغم التزامات آنها)تحت کنوانسیون وین، مقامات ایران از هیأت سیاسی ما حفاظت کافی نکردند... پاریس یک چنین خشونتی را محکوم می‌کند و انتظار دارد که مقامات رژیم ایران اقدامات لازمه را اتخاذ کنند تا مانع شوند که یک چنین اقدامات غیرقابل قبولی مجدداً اتفاق‌بیافتد».

ولید جنبلاط طرح مشترک رژیمهای ایران وسوریه را برای تغییر نقشه لبنان افشا کرد

تلویزیون الجزیره ۲٤ بهمن گزارشی از کنفرانس مطبوعاتی ولید جنبلاط نماینده مجلس لبنان و رهبر حزب پیشرو سوسیالیستی پخش کرد که ولید جنبلاط در این کنفرانس طرح مشترک رژیمهای ایران و سوریه را برای تغییر نقشهٔ لبنان به منظور سوء استفاده‌های مداخله‌جویانه، افشا کرد.

تلویزیون الجزیره گفت: مطبوعاتی گفت: جنبلاط تهاجم جدیدی را علیه حزب‌الله و از طریق آن به سوریه به عمل آورد و با نشان دادن نقاطی روی نقشه گفت: این نقشه به نیروهای مسلح اجازه می‌دهد که بر جنوب لبنان مسلط شوند و این منطقه را بعنوان زمین یک ائتلاف لبنانی سوری ایرانی به کار گیرند تا چشم‌اندازی نامحدود برای منافع رژیم سوریه و جمهوری اسلامی ایران ایجاد شود.

یادداشت روز

بقیه از صفحه اول

مجموعه کنشها و اقدامات عملی دیکتاتوری آخوندی که طی چند روز گذشته شاهدش هستیم، نشان می‌دهد که آخوندها از تهدید و گستاخی فراتر رفته و علنا به تجاوز و تهاجم مبادرت کرده‌اند و به همان گونه که ولی‌فقیه نظام گفته بود، در حال «مچاله» کردن معاهدات بین‌المللی تحت عنوان «اعمال اقتدار در چارچوب معاهدات بین‌المللی» هستند. البته اگر گوش شنوا و چشم بینایی می‌بود، این اقدامات که آشکارا فراتر از گستاخی، تعرض و دهن کجی به‌معاهدات بین‌المللی است، غیرقابل پیش‌بینی نبود. چراکه این سیاست و استراتژی تخاصم و اعلام جنگ رژیم آخوندی درمرحله پایانی است که دیکتاتوری آخوندی در سر فصل یکپایگی به‌عنوان یک انتخاب استراتژیک به آن روی‌آورده و زمینه‌ها و پایه‌های آن در روشهای ذاتی رژیم ولایت فقیه از سالها پیش قابل تشخیص بود. همان ذات ضد انسانی و ضد تاریخی که آخوندها آن را در زیر سایه مماشات معامله‌گرانه غرب و به‌ویژه اتحادیه اروپا به‌پیش برده است. اکنون آخوندها شمشیر را از رو بسته‌اند و با دجالگریهای رسواشده‌یی مانند مراسم فرمایشی ۲۲ بهمن تهدید به تجدیدنظر در سیاست پایبندی به ان.پی.تی می‌کنند و به سیاست تعرضی خود شتاب بیشتری بخشیده‌اند.

با این اقدامات عملی، این حقیقت یکبار دیگر در برابر چشم جامعه جهانی نمایان شد، رژیمی که طی هیجده سال، پروژه اتمی خود را از چشم جهان پنهان کرده بود و طی سه سال نیز زیر چتر مماشات، با دروغ، شانتاژ، تهدید و تطمیع، هیچگاه پروژه‌های مخفی را متوقف نکرد، از فاصله بین اجلاس دوم فوریه تا اجلاس ششم مارس نیز به عنوان «آخرین فرصت» بهره‌گیری نمود و با آغاز رسمی و علنی غنی‌سازی همه معاهدات بین‌المللی را به تمسخر گرفت. به‌نظر می‌رسد، چنین تعرض آشکاری، پاسخ قاطع و درخور خود را می‌طلبد و به دست گرفتن هرچه سریعتر ابتکارعمل توسط شورای امنیت ملل متحد را - حتی قبل از اجلاس ششم مارس- اقتضا می‌کند.

پیام ماندگاری و استواری اشرف صورت مسأله سرنگونی نظام آخوندی است

در آستانهٔ بیست و هفتمین سالگرد ۲۲بهمن، سالروز انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران و بیست و چهارمین سالگرد ۱۹بهمن سالروز عاشورای مجاهدین، هزاران‌تن از مجاهدان و رزم‌آوران آزادی با برپایی سلسله مراسم و آیینهای ویژهٔ نظامی در شهر اشرف، ضمن تجدیدعهد با شهیدانی که تمام وجودشان را، فدیهٔ آزادی میهن خویش کردند، با تکرار این پیام که "انقلاب بهمن، نه مرده و نه خاکستر شده"، بر استمرار انقلاب بهمن ۵۷ و حتمی‌بودن سرنگونی رژیم غاصب و ضدبشری آخوندی، تأکید کردند.

در این مراسم خواهر مجاهد مژگان پارسایی جانشین رهبری مقاومت، خواهر مجاهد صدیقه حسینی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، شماری از اعضای ارشد شورای رهبری مجاهدین و جمعی از مسئولان سازمان مجاهدین و فرماندهان ارتش آزادیبخش ملی ایران حضور داشتند در این مراسم پس از رژهٔ دستهٔ موزیک و گارد احترام از مقابل یکانهای نمونه ارتش آزادیبخش، طی آیین ویژه‌یی که توسط گارد احترام به اجرا درآمد، از «نماد پایداری پرشکوه» مجاهدان آزادی در اشرف که مظهر سه‌سال ایستادگی سرفرازانه و تاریخی رشیدترین فرزندان مردم ایران است به نشانهٔ سرشاری و فزایندگی انقلاب مردم ایران پرده‌برداری شد.

در جریان یکی از آیینهای ویژه مربوط به سالگرد انقلاب بهمن و عاشورای مجاهدین، در تجمع عظیم یکانهای نمونه ارتش آزادی در یکی از میدانهای«اشرف»، خواهر مجاهد صدیقه حسینی طی سخنرانی مبسوطی به تشریح رویارویی مقاومت عادلانه مردم ایران و رژیم ضدبشری آخوندها و مبانی پیشرفتها و پیروزیهای سیاسی مجاهدین و مقاومت ایران در سال جاری پرداخت.

در بخش پایانی این مراسم، ارکستر بزرگ و هنرمندان ارتش آزادیبخش چندین برنامهٔ هنری و ازجمله ترانه‌سرودهای فراموشی‌ناپذیر انقلاب۵۷ و چند ترانه‌سرود جدید به‌این مناسبت اجرا نمودند.

مشروح سخنرانی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران را در این صفحه ملاحظه می‌کنید.

سخنرانی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران در بزرگداشت بیست‌وهفتمین سالگرد ۲۲بهمن و بیستوچهارمین سالگرد ۱۹بهمن، عاشورای مجاهدین در اشرف

به‌نام خدای شهیدان و آزادگان، خدای مجاهدان و ستمدیدگان

سلام برحسین پیامبر جاودان آزادی، پیشوا و راهنمای تاریخی مجاهدان

سلام بر زینب کبری همتای سرور شهیدان در روز عاشورا

سلام بر سوگند وفا ابوالفضل العباس

با یاد اشرف شهیدان و سردار خیابانی، پرچمداران عاشورای مجاهدین

حماسهٔ غرورانگیز ۱۹بهمن۱۳۶۰ که امسال دریک تلاقی شورانگیز با تاسوعا و عاشورای حسینی، بیش از هرزمان دیگر، این درس فدای حداکثر و این رسم وفا و پایداری تا به آخر را برای مجاهدین انگیزاننده و الهام بخش کرده است.

سلام بر آذر و تهمینه و مهشید و ثریا و فاطمه و ناهید و مهناز و محمد و میرطه و حسن و خسرو و کاظم و محمد و شاهرخ و حسین و حسن و عباسعلی و سعید، مجاهدان قهرمانی که تا آخرین قطره خون و تا آخرین نفس، دررکاب سرداران خود، پایداری کردند و راه و رسم وفای به‌عهد به‌جای آوردند.

و سلام برصدها مجاهد خلق قهرمانی که درآستان پیکرهای پاک اشرف و موسی و به‌خاطر ادای احترام به آنان به جوخه‌های تیرباران سپرده شدند.

راستی که ۲۴سال پس از آن بهمن سرخ و سرکش، امروز نسل مجاهد خلق و تک‌تک رزمندگان شهر شرف، بیش از هرزمان دیگر، راهگشایی عاشورای ۱۹بهمن را برتارک پایداری خود می‌بینند.

اگر به‌یاد داشته باشید، سال گذشته، سردار شهر شرف خواهرمجاهد مژگان پارسایی، در دیباچهٔ ۱۹بهمن، از درس وفا صحبت کرد و به‌نقل از پیامهای رهبر مقاومت افزود: پس ازعبور از صخره‌های صعب و آتشفشانهای بنیان‌کن سالهای۸۲ و ۸۳، نسل مجاهد بار دیگر ازمیان خاکسترخود می‌شکفد و با صبری شگفت، دامگذاری و توطئه‌های ملایان را در عراق یکی پس از دیگری درهم می‌شکند و در اوج شرف و سرفرازی، استوار و بی‌اعوجاج، در مسیر خود، به‌سوی مقصد بزرگ مردم ایران، یعنی «آزادی» و سرنگونی حکومت ضدبشری آخوندی، به‌پیش می‌تازد.

خواهران و برادران،

این روزها هم‌چنین درآستانهٔ سالگرد انقلاب ضدسلطنتی هستیم. اجازه بدهید با گرامیداشت بیست و هفتمین سالگرد انقلاب ۲۲بهمن، درودهای خود را تقدیم پیشتازان، راهگشایان و شهیدان آن انقلاب کنیم و یاد جاودانه فروغها، مشعلهای فروزان و تمامی شهیدان راه آزادی را گرامی بداریم.

انقلاب ضدسلطنتی پر از شکوه همدلی و همیاری اقشار گستردهٔ مردم ایران برای آزادی بود. اگرچه خمینی رهبری آن را ربود و شعارها، آرمانها و فرهنگ آن را هم قلب و تحریف کرد، اگرچه دزدان میوه چین و غاصبان حق حاکمیت مردم به تاراج آن انقلاب نشستند، اما به یمن رهبری و فدای عظیم نسل انقلاب، آن انقلاب نمرد و خاکسترنشد بلکه در مقاومتی عظیم، راه خود را تا رسیدن به مقصد بزرگ مردم ایران یعنی «آزادی» ادامه می‌دهد.

پس از همین جا سلام می کنیم به آن زنان و مردان، دختران وپسران شجاعی که درراستای این مقاومت سُترگ، درشهرهای به‌پاخاستهٔ میهن و درکارخانه و دانشگاه و درهرکجا، به‌ستیز با دشمنان آزادی برخاسته‌اند.

درود به رانندگان و کارگران قهرمان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و عزم جزم و دلیرانهٔ آنها، درود به دانشجویانی که با آنها اعلام همبستگی کردند، درود به مردان وزنانی که درزندانهای رژیم ضد بشری دراسارتند. برای آنها استواری و پایداری آرزو می‌کنیم و به شجاعت غرورانگیزشان دراعتصاب غذای قهرمانانه زندانیان گوهردشت و دیگر زندانها درود می‌فرستیم.

درود به یاران، هواداران و پشتیبانان غیور مقاومت درداخل و خارج و سراسر دنیا. زنان و مردان پرشور و فداکاری که درسوز سرما و گرما، به‌رغم مشکلات فراوان زندگی در تبعید، عزم جزم کرده‌اند تا فریاد حق‌طلبانهٔ این مقاومت را در همه‌جای جهان طنین‌افکن کنند. به‌راستی که تلاش و پایداری تحسین‌برانگیزشما عزیزان شرط ضروری پیشرفت و شکوفایی این مقاومت بوده و خواهد بود. شما با مجاهدت خود توانستید وجدانهای بشری را درهمه‌جا بیدار و آگاه کرده و به دادخواهی و پیگیری خواستهای عادلانهٔ این مقاومت فرابخوانید.

برادران و خواهران عزیز،

طی یک سال گذشته، مهمترین تحولی که درایران اتفاق افتاد، یکپایگی سیاسی حاکمیت ارتجاع بود. بعد از ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، ولی فقیه ارتجاع دریک فرار به جلو، ناگزیر شد همهٔ تعارفات و فریبکاریهای چند ساله را کنار بگذارد و با یکپایه کردن رژیمش، چهرهٔ واقعی استبداد مذهبی را به همه نشان بدهد. و حالا دیگر همگان مرحلهٔ پایانی و سراشیب سرنگونی رژیم را به چشم می بینند.

رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت درکنفرانس مطبوعاتی هفتهٔ گذشته، سیاست کنونی رژیم ولایت فقیه را درچند کلمه به‌بهترین صورت خلاصه کردند و گفتند: «رژیم ایران با روی کار آوردن احمدی‌نژاد یک انتخاب استراتژیک کرده است؛ تضمین بقای رژیم با بمب اتمی و بلعیدن عراق و دشمنی با صلح در منطقه».

رئیس‌جمهور رژیم اما، از همان روز اول، با وقاحت گفت ما برای دموکراسی انقلاب نکرده‌ایم و حقوق‌بشر را موضوعی«تهوع آور» خواند. کابینهٔ او مجموعهٔ دستچین‌شده‌یی از جنایتکارترین پاسداران و دژخیمان است. آنها سرکوب و اختناق را درداخل کشور به حداکثر رساندند. جوانها را در سراسر ایران از تهران تا کردستان و خوزستان و بلوچستان هزار هزار شکار کردند و نوجوانان زیر ۱۸سال را باشقاوت تمام حلق‌آویز نمودند. اعدامهای اعلام شده توسط خود رژیم در همین چند ماه ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد ۱۲۵مورد بوده است. طی همین مدت، ۳۱۸۴مورد دستگیری سیاسی، ۵۴مورد بستن مطبوعات، نزدیک به ۸۰هزار بازداشت اجتماعی، ۵مورد قطع عضوو ۳۸موردگرداندن جوانان درشهرها را خود رژیم اعلام کرده است.

آدمربایی در عراق و تأسیس دهها شکنجه‌گاه و زندان مخفی در این کشور هم داستان جداگانه‌یی دارد.

رئیس‌جمهور ارتجاع سپس برای باجگیری و شانتاژ بین‌المللی، شروع به عربده‌کشی کرد و با فریادهای دجالگرانه و تهدید به‌آتش‌کشیدنِ کشورهای منطقه و جهان اسلام بر طبل جنگ کوبید. برای توَجیه پروژهٔ اتمی به خط و نشان کشیدن برای اسرائیل پرداخت.

موضعگیریهای احمدی نژاد خوب نشان می‌دهد که رژیم با تمام قوا در صددِ ساختن بمب اتمی است. به‌همین جهت ولی فقیه رژیم پروژهٔ تولید بمب اتمی را به‌دست سپاه پاسداران سپرده و سپردن کل دستگاه اجرایی به پاسداران، نشاندهندهٔ این است که همهٔ امکانات کشور را در خدمت این پروژه‌ها قرارداده است، در حالی‌که ملت ایران بر روی منابع سرشار نفت و گاز زندگی می‌کند و هرگز نیازی به پروژه‌ها و هزینه‌های کلان اتمی برای مصارف زیستی ندارد.

مطابق گزارش مرکز پژوهش مجلس رژیم، ۲۰درصد مردم ایران گرفتار فقر مطَلق هَستند وَ شبها سَرگرسنه بر بالین می‌گذارند. ۵۰درصد دیگر از مردم گرفتار فقر نسبی هستند و از بیماریهای ناشی از سوء تغذیه رنج می‌برند. آن‌روی سکهٔ این فقر، فسادِ ساختاریِ اقتصاد آخوندزده است.

اما رژیم وَلایت‌فقیه به‌خوبی می‌داند که کارش به‌انتها رسیده و بحران سرنگونی از داخل و خارج کشور هر روز حلقهٔ محاصره را بر او تنگ‌تر می‌کند. بحران و تضادهای درونی حاکمیت و موج فزایندهٔ اعتراضات وتظاهرات اقشار به‌جان آمدهٔ مردم از کارگران تا دانشجویان، رانندگان، معلمان، پرستاران و مردم شهرهای به‌پاخاسته بر این واقعیت گواهی می‌دهد.

تعداد کل حرکتهای اعتراضی ثبت شده در سال۸۴ تا به‌حال ۳۶۸۷ فقره است. ۳۰۵۷حرکت اعتراضی فقط مربوط به دورهٔ احمدی‌نژاد است. این رقم به‌خوبی میزان رشد اعتصابها و اعتراضات اجتماعی را هم دراین دوره نشان می‌دهد.

هرکس که وضعیت و تاریخچه و سابقهٔ این رژیم را بداند، می‌تواند بحران سرنگونی را در سرتاپای رژیم ببیند. ولی‌فقیه ارتجاع با یکپایه کردن رژیم می‌خواست و می‌خواهد که با دو اهرم عراق و اتمی بر بحران سرنگونی غلبه کند.

خوشبختانه حالا پروندهٔ اتمی به شورای امنیت ارجاع شده و چیزی ورق‌خورده است. کشورهای غربی تابه‌حال برخلاف همهٔ هشدارهای ما در طول سالیان، برای جلب رضایت آخوندها، مردم و مجاهدین و مقاومت ایران را وجه‌المصالحه می‌کردند. اما حالا دیگر بن بست سیاست رفرم و استمالت خود را تحمیل کرده و تهدیدهای تروریستی این رژیم، توجه دنیا را به‌خود جلب کرده است. ایران و نحوهٔ برخورد با رژیم حاکم بر آن به مسأله روز تبدیل شده است.

بقیه در صفحهٔ بعد

سخنرانی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران در بزرگداشت بیست‌وهفتمین سالگرد ۲۲بهمن و بیست‌وچهارمین سالگرد ۱۹بهمن، عاشورای مجاهدین در اشرف

این روزها فراوان می‌بینیم که از آمریکا و اروپاست که گزینهٔ نظامی در برابر این رژیم را مطرح می‌کنند. و ما هستیم که می‌گوییم اشغال نظامی نمی‌خواهیم، راه‌حل سوم را می‌خواهیم. راه‌حل دموکراتیک از طریق مردم و مقاومت همین مردم را که رئیس‌جمهور برگزیدهٔ این مقاومت مطرح کرده‌است، می‌خواهیم.
متقابلاً ببینید که این چه رژیمی است که مجاهدین بدون سلاح و محصور درقرارگاه اشرف در خاک عراق را هم نمی‌تواند تحمل کند؟
شعار مرگ بر منافقین به‌عنوان شعار محوریش درهمهٔ مناسبتها و مراسم رسمی و غیررسمی این رژیم، مثل همیشه ادامه دارد.
ـ ما کدام حرف رژیم را باورکنیم؟ از یکطرف می‌گوید گروهک از بین رفته و بدون هرگونه پایگاه اجتماعی و می‌گوید که این مجاهدین هیچ عددی نیستند، از طرف دیگر نگاه کنید به رادیو و تلویزیون و مطبوعات و خبرگزاریها و سایتها و موضعگیریهای سیاسی رژیم و سخنگویان و مزدورانش، آن‌چنان ازمجاهدین و مقاومت در هراسند و آن‌چنان دیوانه واربرخورد می‌کنند و دروغ بافی می‌کنند که آدم حیرت می‌کند.
بگذارید یکبار دیگر به رژیم آخوندی، به‌ویژه کانون دژخیمان و مجمع آدمخواران نظام ولایت‌فقیه در کابینهٔ پاسدار احمدی‌نژاد، اطمینان بدهیم که مجاهدین خلق ایران مانند سالیان گذشته نه در ایران و نه در هیچ کجای دیگر جهان، از حقوق خلق در زنجیرشان یعنی حق حاکمیت مردم به‌جای حاکمیت آخوند، کوتاه نخواهند آمد. هم‌چنان‌که به هرقیمتی برروی حقوق حقهٔ خود درعراق طبق مقررات کنوانسیون چهارم ژنو پای خواهند فشرد، هیچ اجبار وتهدیدی را نخواهند پذیرفت و درهیچ شرایطی از آزادی بیان و عقیده و از افشای جنایتها و مداخلات و پروژه‌ها و توطئه‌های رژیم آخوندی صرفنظر نخواهند کرد.

امروز دیگر به اثبات رسیده است که:
«اگراشرف بایستد و پایداری کند، جهان خواهد ایستاد»

بقیه از صفحهٔ قبل
ـ دیگرکسی شک ندارد که رژیم آخوندی فعالترین حامی و پدرخواندهٔ تروریسم بین‌المللی است.
ـ کسی شک ندارد که این رژیم صادر کننده ارتجاع و بنیادگرایی است.
ـ کسی شک ندارد‌که این رژیم تهدید مبرم صلح و امنیت منطقه‌یی و بین‌المللی است. ولابد یادتان هست که اینها حرفهای بیست و چندسالهٔ مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران بوده که خیلی طرفها نشنیده می‌گرفتند....
کاش فقط نادیده و نشنیده می‌گرفتند. به‌عکس،به‌درخواست رژیم تن دادند و به‌خود ما برچسب تروریسم زدند.
ـ راستی نام مقاومت مشروع یک ملت، درلیستهای تروریستی آمریکا و اتحادیه اروپا چه می‌کند؟
اگرپروندهٔ اتمی این رژیم به‌شورای امنیت ارجاع داده شده، اگراین رژیم به‌خاطر نقض وحشیانهٔ حقوق‌بشر، ۵۲ بار در ملل متحد محکوم شده، اگر این رژیم بزرگترین رژیم حامی تروریسم دردنیاست، پس چرا نام نیروی اصلی مخالف آن که خودش با ۱۲۰هزار شهید بزرگترین قربانی این رژیم است، هنوز درلیست تروریستی است؟
ـ مگر برجسته‌ترین مراجع و اساتید حقوق دنیا و اکثریت نمایندگان پارلمان درآمریکا و چندین کشور اروپایی، این نامگذاری را دهن‌کجی به عدالت نخوانده‌اند؟
ـ مگردست اندرکاران اصلی این نامگذاری چه درآمریکا و چه دراروپا خودشان اذعان نکردند که این نامگذاری برای استمالت و لبخند زدن به رژیم آخوندی بوده؟
ـ مگر این مجاهدین و این مقاومت، خودشان افشاگر تبهکاریهای اتمی و تروریستی و نقض حقوق بشر توسط این رژیم نبودند؟
ـ حقوقدانان آمریکایی چه خوب گفتند که این سازمان، نه تروریست بلکه آنتی‌تز تروریسم است.
ـ مگر نفی و رد تروریسم و هرگونه هدف قراردادن شهروندان و افراد بی گناه و علاوه براین نفی هرگونه قهر و خشونت و اقدام غَیر قانونی در خارج از خاک خودمان مرزسرخ و جزو پرنسیپهای ما نبود؟
ـ مگر بارها برای انتخابات آزاد به این رژیم فراخوان نداده‌ایم؟
ـ مگر التزام خود را به رفراندم تغییر نظام که رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت در مهر ۱۳۸۲فراخوان دادند، اعلام نکردیم؟ ما مجاهدین پیوسته گفته و اعلام کرده‌ایم و همهٔ رزم‌آوران آزادی هم نسبت به آن التزام دارند که: مبارزهٔ سیاسی عاری از خشونت با برخورداری از حق آزادی بیان و اجتماعات و انتخابات، کمال مطلوب ما بوده و می‌باشد.
بگذریم که این رژیم آزادی بیان ما را در اشرف و در پاریس و لندن و واشینگتن هم نمی‌تواند تحمل کند. تظاهرات هموطنانمان در واشینگتن را هم به داغ و درفش تهدید می‌کند. پیام ویدئویی خواهرمریم به پارلمان انگلستان راهم مورد اعتراض شدید قرار می‌دهد و حتی انتشار یک مصاحبه و مقاله از او راهم تحمل نمی‌کند. نمایندگان پارلمان اروپا را تهدید می‌کند. روزنامه‌های بزرگ کشورهای آمریکایی و اروپا را نیز که از مجاهدین مطلب می‌زنند و حتی آگهی منتشر می‌کنند، تهدید می‌کند.
ولی ما گفته‌ایم و بازهم تکرار می‌کنیم که: به‌طور اصولی با هرگونه خشونت مخالفیم و آن‌را محکوم می‌کنیم و برای نفی خشونت بر ضرورت تضمین شرایط فعالیت آزاد و مسالمت‌آمیز سیاسی در ایران تأکید می‌کنیم. به‌همین خاطر، آخوندهای حاکم و کلیهٔ کسانی را که با ستم و سرکوب مانع انتخاب آزاد مردم ایران هستند و خشونت را تحمیل کرده‌اند قویاً محکوم و شایسته قرارگرفتن در معرض عدالت می‌دانیم. می‌بینیدکه حالا دیگر برای همهٔ دنیا، مثل روز روشن شده که این رژیم است که با ردکردن رفراندوم و انتخابات آزاد تحت نظرملل متحد، یک رژیم نامشروع است. یک رژیم تحمیلی است که با ارعاب و وحشت، یعنی با تروریسم حکومت می‌کند و حالا سلاح اتمی هم مزیدِ بر علت شده است.
و این روزها فراوان می‌بینیم که از آمریکا و اروپاست که گزینهٔ نظامی در برابر این رژیم را مطرح می‌کنند. و ما هستیم که می‌گوییم اشغال نظامی نمی‌خواهیم، راه‌حل سوم را می‌خواهیم. راه‌حل دموکراتیک از طریق مردم و مقاومت همین مردم را که رئیس‌جمهور برگزیدهٔ این مقاومت مطرح کرده‌است، می‌خواهیم.
متقابلاً ببینید که این چه رژیمی است که مجاهدین بدون سلاح و محصور درقرارگاه اشرف در خاک عراق را هم نمی‌تواند تحمل کند؟
شعار مرگ بر منافقین به‌عنوان شعار محوریش درهمهٔ مناسبتها و مراسم رسمی و غیررسمی این رژیم، مثل همیشه ادامه دارد.
- ما کدام حرف رژیم را باورکنیم؟ از یکطرف می‌گوید گروهک از بین رفته و بدون هرگونه پایگاه اجتماعی و می‌گوید که این مجاهدین هیچ عددی نیستند، از طرف دیگر نگاه کنید به رادیو و تلویزیون و مطبوعات و خبرگزاریها و سایتها و موضعگیریهای سیاسی رژیم و سخنگویان و مزدورانش، آن‌چنان ازمجاهدین و مقاومت در هراسند و آن‌چنان دیوانه واربرخورد می‌کنند و دروغ بافی می‌کنند که آدم حیرت می‌کند.
هرمقام عراقی که به ایران می‌رود یا به بهانه‌های مختلف او را به ایران دعوت می‌کنند، خواستهٔ اول و آخر رژیم از او محدود کردن و اخراج مجاهدین است. چند وقت پیش یک مقام عراقی به رژیم تصریح کرد که «حضور مجاهدین خلق در خاک عراق در حوزهٔ مسئولیت دولت کنونی آن کشور قرار نمی گیرد» و این مسئله بین نیروهای ائتلاف و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ طبق مقررات کنوانسیون چهارم ژنو حل و فصل شده است. اما این چیزها به‌گوش رژیم نمی‌رود. یعنی رعشهٔ سرنگونی گوش رژیم را بسته و گوشش بدهکار هیچ قاعده و قانون بین‌المللی نیست. بیچاره گمان می‌کند که می‌تواند مانع آزادی بیان مجاهدین که حق مسلم آنهاست، بشود. آخر مگر مجاهدین حتی در بیدادگاههای شیخ و شاه از آزادی بیان خود صرفنظر کردند؟ اگر عراق قرار است یک کشور دموکراتیک باشد محال است که مجاهدین از آزادی بیان خود صرفنظر کنند. ما دخالتهای رژیم و صدور ارتجاع و تروریسم و بنیادگرایی و جنایت و خونریزی آن را افشا کرده‌ایم و باز هم خواهیم کرد.
دوسال و دوماه پیش، در آذر۱۳۸۲، اولین بار، این خواهرمریم بود که در پیامش به گردهمایی هموطنانمان در انگلستان حقایقی را گفت که حالا دنیا آنرا تأیید می‌کند. رئیس‌جمهور ما گفت:
ما از ۱۲سال پیش بنیادگرایی تحت نام اسلام را تهدید اصلی جهانی و شرایط جدید بین‌المللی اعلام کردیم و دربارهٔ آن بسیار گفتیم و نوشتیم.
دربارهٔ تجهیزات و برنامه‌های اتمی رژیم آخوندها هم گفتیم که آنها سلاح اتمی را به‌گفتهٔ رفسنجانی عامل استراتژیکی بقاء و حفظ نظامشان می‌دانند.
امروز اما تأکید می‌کنیم که آخوندهای حاکم بر ایران که شعارها و نعره‌های گوشخراششان در مورد «فتح قدس از طریق کربلا» را همه به‌یاد دارند، بار دیگر در عراق، که نزدیک به دو سوم جمعیت آن شیعیان هستند، فرصت را مغتنم یافته‌اند.
در چنین وضعیت ژئوپلتیکی، باز هم مثل روزگار جنگ ۸ساله، یعنی دوران جنگ ضدمیهنی خمینی، سد سدید در برابر ارتجاع و صدور بنیادگرایی، همانا مجاهدین خلق ایران هستند. به‌همین‌خاطر رژیم به‌شکل جنون‌آمیزی در پی زد و بند و توطئه و تروریسم علیه مجاهدین در خاک عراق است تا شاید بتواند آنها را ناگزیر از ترک این کشور کند و بعد، طعمهٔ خودش را بدون هیچ رادع و مانع ایدئولوژیکی و سیاسی به‌ویژه از نوع ایرانی و شیعی، فرو ببلعد.

خواهران و برادران،
آیا طی این مدت کاری بوده که رژیم علیه اشرف نکرده باشد؟ آیا دروغی مانده که نگفته باشد؟ آیا اتهامی بوده که از دستش در رفته باشد؟ و آیاکسی هست که برای اخراج مجاهدین از عراق به اومتوسل نشده باشد؟
ـ مردم عراق مخصوصاً مخالفان دخالتهای خودش را گروه‌گروه به‌زندانهای مخفیش می‌اندازد و شکنجه می‌کند و با دست بسته و چشم بسته به آنها شبانه در بیابانها تیر خلاص می‌زند و پاسداران و اطلاعاتیهای شکنجه‌گر هم وقتی زندان جادریه لو می‌رود، به ایران فرار می‌کنند ولی هنوز باکمال وقاحت از سرکوب و کشتار شیعیان و کردهای عراقی توسط مجاهدین دم می‌زند!
ـ یکروز کشف می‌کند که مجاهدین درنجف و فلوجه و آبهای خلیج فارس سوار بر زرهیهای آمریکایی و ناوهای استرالیایی به‌سرکوب شیعیان یا سنیهای عراق مشغولند!
ـ و روز دیگر خبر می‌دهد که مجاهدین با انگلیسیها مشغول بمبگذاری در اهواز هستند! با اسرائیلیها در بمباران الانبار همکاری می‌کنند!
ـ بعد هم سفیرش در فرانسه دست به‌دامان وکیل فرانسوی می‌شود که بیاییم بگوییم بمباران شیمیایی حلبچه نه کار رژیم بوده ونه کار عراق بلکه کار مجاهدین بوده است!!
ـ چند وقت پیش رژیم خبر داد: ده نفر از اعضای مجاهدین خلق که قرار است پس از دیماه برای محاکمه به آمریکا منتقل شوند! و هفتاد نفر هم قرار است در بهمن و اسفند درعراق محاکمه شوند!
ـ رهبر این مقاومت هم که به‌گفتهٔ رژیم و تلویزیونهایش، با ۳۰تن ازعناصر رهبری مجاهدین در پایگاه مرکوری که همان بدیع‌زادگان خودمان باشد «مشغول رهنمود دادن و مشورت دادن به فرماندهان نظامی آمریکا»است! در وسطهایش هم که به‌گفتهٔ رژیم و مزدورانش، گاه می‌رود سوئیس یا اسکاندیناوی، گاه به آمریکای لاتین و گاه به مرز اردن و گاه به سعودی و گاه آن‌چنان‌که مطبوعات مزدور رژیم در عراق نوشتند، می‌رود به اسراییل!
وقتی هم که جنایتهای هولناک و ددمنشانهٔ رژیم ومزدورانش درزندان جادریه وزارت کشور افشا می‌شود و درستی گفته‌های مجاهدین پس از ربوده‌شدن دو مجاهد خلق، به‌اثبات می‌رسد؛ رژیم کلافگی خود را دریک فرافکنی علیه مجاهدین در ارگان ۹بدر بارز می‌کند و می‌نویسد: «گروه مجاهدین خلق که قصد ایجاد هرج ومرج و بلوا در جامعهٔ عراق دارند در رابطه با بازداشتگاه جادریه گفتند که این وابسته به وزارت کشور و تحت اشراف ایران بوده است. این توطئه را گروههای تروریستی برای متهم‌کردن لیست شیعه و تضعیف موقعیت شیعه واحزاب آن درعراق قبل از انتخابات برنامه‌ریزی کرده اند»!
درهر حال ما یک باردیگر تأکید می‌کنیم که وزارت کشور عراق و نیروهای ویژهٔ آن‌را مسئول حفظ جان دو مجاهد خلق ربوده شده؛ حسین پویان و محمد علی زاهدی می‌شناسیم و خواهان اقدامات قاطع در قبال امنیت و سلامت آنها هستیم.
راستی چرا رژیم تا این اندازه برای نبودن اشرف و مجاهدین در عراق پافشاری می‌کند ؟
آیا بمباران و تخلیهٔ قرارگاهها، ضبط و غارت اموال، جمع‌آوری سلاحها، قطع رادیو، قطع دارو و سوخت و ارزاق و لجن پراکنی ۲۴ساعته و انواع اتهامات و برچسبها و محدویتها و فشارهاکافی نیست؟! از نظر رژیم هرگز کافی نیست.
چون تا وقتی که اشرف هست و مجاهدین در این‌جا هستند، صورت‌مسألهٔ سرنگونی و ارتش آزادی به‌قوت خود باقیست و رژیم به تعادل و تثبیت نمی‌رسد.
پیام ماندگاری اشرف و پیام استواری ساکنانش، همان خطر سرنگونی و صورت مسألهٔ سرنگونی نظام آخوندی است. پس این‌جا، نقطهٔ کانونی و استراتژیکی نبرد سرنوشت است.
اگر به‌یاد داشته باشید، دو سه هفته پیش وقتی رژیم آخوندی به‌رغم تقلبات نجومی درجریان انتخابات عراق، در حفظ و تداوم هژمونی خود شکست خورد، و وقتی که یک جبههٔ بزرگ از نیروهای میهن‌پرست و دموکراتیک عراقی را در مقابل خود یافت، بی‌محابا تقصیر را به گردن مجاهدین انداخت!
وزارت اطلاعات آخوندها مجاهدین را «متهم به شرکت فراگیر در انتخابات پارلمانی عراق» و « فعالیت پنهان و گسترده‌یی در جهت تحریک مردم عراق» کرد و لاریجانی دبیرشورای عالی امنیت آخوندها، در تلویزیون رژیم، با سخافت، فرماندهی نیروهای آمریکایی را متهم کرد که «دست به‌دامن مجاهدین شده که شما بیایید تو شهرهای مختلف تبلیغ کنید که این لیست شیعه رأی نیاره....».
بعد هم خبرگزاری مهر ولی فقیه گفت: «حضور مجاهدین در قرارگاه اشرف عامل اصلی اغتشاش و آشوب در عراق» است!
حالا فکرش را بکنید که رژیم چه حالی پیدا می‌کند؛
ـ وقتی که بیش از ۱۲هزار تن از حقوقدانان عراقی، همه اتهامات آخوند ساخته را پس از تحقیقات حقوقی، نقش برآب می‌کنند و اعلام می‌کنند که در هر دادگاهی حاضر هستند شهادت بدهند.
ـ وقتی که این ۱۲هزار حقوقدان، همراه با ۸۵۰۰حقوقدان در اروپا برعدم مشروعیت برچسب تروریستی گواهی می‌دهند.
- وقتی که در کنار ۲ میلیون و ۸۰۰ هزارتن از مردم عراق، مجاهدین را وزنه تعادل استراتژیکی در برابر رژیم آخوندها و سد سدید در برابر تروریسم و بنیادگرایی می‌خوانند.
بنابراین، بگذارید یکبار دیگر به رژیم آخوندی، به‌ویژه کانون دژخیمان و مجمع آدمخواران نظام ولایت‌فقیه در کابینهٔ پاسدار احمدی‌نژاد، اطمینان بدهیم که مجاهدین خلق ایران مانند سالیان گذشته نه در ایران و نه در هیچ کجای دیگر جهان، از حقوق خلق در زنجیرشان یعنی حق حاکمیت مردم به‌جای حاکمیت آخوند، کوتاه نخواهند آمد. هم‌چنان‌که به هرقیمتی برروی حقوق حقهٔ خود درعراق طبق مقررات کنوانسیون چهارم ژنو پای خواهند فشرد، هیچ اجبار وتهدیدی را نخواهند پذیرفت و درهیچ شرایطی از آزادی بیان و عقیده و از افشای جنایتها و مداخلات و پروژه‌ها و توطئه‌های رژیم آخوندی صرفنظر نخواهند کرد.
ـ امروز دیگر به اثبات رسیده است که : «اگراشرف بایستد و پایداری کند، جهان خواهد ایستاد».
ـ این یک شعار نبود. این چکیده و محصول یک استراتژی و یکِ تجربهٔ تاریخی بر روی سه عنصر حیاتی است:
اولاًـ تمرکز برروی دشمن اصلی یعنی رژیم ولایت فقیه و پرهیز از هر مبارزهٔ فرعی و انحرافی دیگر که خواستهٔ رژیم آخوندی است.
ثانیاًـ توجه به جغرافیای سیاسی ایران و عراق و این‌که چرا در رژیم ولایت فقیه آخوندها هم دردوران جنگ ۸ ساله و هم در شرایط کنونی عراق را نخستین طعمه و برون رفت از بحرانهای خود یافته‌اند.
ثالثاً ـ تلقی واقع‌بینانه از مرحلهٔ پایانی رژیم آخوندی و نیاز شدید آن به سلاح اتمی

خواهران و برادران
هم‌میهنان، ایرانیان شریف وآزاده، یاران و پشتیبانان مقاومت ایران؛
انقلاب ۲۲ بهمن اگرچه رهبریش و حتی شعارها و فرهنگش توسط دزد بزرگ قرن ربوده شد، اما نیست و نابود نشد. بلکه به یمن ۲۷سال پایداری و راهبری پاکبازش، با رودی خروشان از خون شهیدان در پرتو مهر تابان مقاومت و آزادی، به‌یمن ۳۰خرداد و عاشورای ۱۹بهمن، به یمن جاودانه فروغها و شعله‌های فروزان و قهرمانان ارتش آزادی‌ستان و حامیان و هواداران استوار و پرشورش در سراسر جهان، می‌رود تا در«راه‌حل مردم و مقاومت» به‌گل بنشیند و آزادی مردم ایران را محقق کند.

سلام بر پیامبر جاودان آزادی

برگزاری مراسم ۱۹ و ۲۲ بهمن، با شرکت ایرانیان آزاده در شهرهای مختلف اروپا، آمریکا و استرالیا

کلن ـ آلمان

بعدازظهر روز شنبه ۲۲بهمن، مقارن با ۲۷مین سالروز انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران، جمع کثیری از هواداران سازمان مجاهدین، در یک گردهمایی در شهر کلن بیست و چهارمین سالروز شهادت سرداران کبیر تاریخ ملت ایران در عاشورای مجاهدین را گرامی داشتند.

در نمایشگاهی که در بزرگداشت شهدای حماسهٔ نوزدهم بهمن برپا شده بود، عکسهای اشرف و موسی و همرزمانشان در کنار گلهای خون رنگ به چشم می‌خورد.

آری این شهیدان برای آزادی و رهایی مردم در زنجیر ایران و در آتش عشق به خلق عاشقانه سوختند و در این مسیر بود که این گلهای سرسبد ملت ایران به دست شقی‌ترین جلادهای دوران به‌شهادت رسیدند و اکنون راه آنان که همانا راه سرداران تاریخی ملت ایران است خود را در هیأت ارتش آزادیبخش ملی ایران متبلور و بارز کرده است. ارتشی که به دست توانای رهبری این مقاومت بنا شده و رسالتی جز پاک کردن لکه ننگ رژیم آخوندی نداشته و ندارد.

در آغاز این برنامه فیلمی از نبرد حماسی قهرمانان عاشورای مجاهدین با مزدوران جنایتکار رژیم آخوندی برای حضار پخش گردید که کینه و نفرت بینندگان از رژیم آخوندی و مزدورانش را مضاعف می‌کرد. سپس یکی از مسئولین مقاومت به سخنرانی پرداخت و در مورد ویژگیهایی این روز تاریخی و تاثیرات انقلابی آن بر جامعه و پایداری پرشکوه در اشرف و ادامهٔ حماسی این مسیر سخنانی ایراد کرد.

در ادامهٔ برنامه مادر فرزانه‌سا از مادران شهدای این روز فراموشی‌ناپذیر به‌شرح خاطراتی از این روز پرداخت که مورد توجه بسیار حضار قرار گرفت. بعد از آن یکی از حامیان مقاومت اشعاری را به مناسبت این روز و به‌یاد اشرف و موسی قرائت نمود. در بخشهای پایانی این برنامه فیلم مراسمی که به همین مناسبت در اشرف برگزار شده بود، پخش گردید. در جریان پخش این برنامه و به‌خصوص هنگام پخش پیام مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران خواهر مجاهد صدیقه حسینی شرکت کنندگان با دست زدنهای ممتد علاقه خود را به راه و آرمان مجاهدین برای آزادی میهن در زنجیر ابراز می‌کردند.

واشینگتن ـ آمریکا

روز شنبه ۲۲بهمن۱۳۸۴، در شهر واشینگتن دی.سی، جلسهٔ باشکوهی با شرکت جمعی از حامیان مقاومت، به‌منظور گرامیداشت عاشورای مجاهدین و شهدای والامقام ۱۹بهمن سال ۱۳۶۰ و هم‌چنین بزرگداشت سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران، برگزار گردید.

در اطراف تریبون، پرچم ایران، آرم سازمان مجاهدین خلق ایران و عکسهای شهید اشرف رجوی و سردار خلق موسی خیابانی و یارانشان به‌چشم می‌خورد.

پس از اعلام برنامه و اجرای دستجمعی سرود «موسی پیام داد»، فیلم کوتاهی از صحنه‌های نبرد قهرمانانه و شهادت اشرف زنان مجاهد، اشرف رجوی و سردار شهید آزادی، موسی خیابانی و یارانشان به‌نمایش درآمد.

آن‌گاه آقای رضا صباحی به این مناسبت سخنانی ایراد کرد.

وی در قسمتی از سخنانش گفت: مجاهدین با برافراشتن پرچم هیهات منا الذله در مقابل رژیم ضدبشری آخوندی ایستادند و این نبرد هم‌چنان ادامه دارد. حالا بعد از ۲۴سال که از جانبازی شهدای والامقام ۱۹بهمن سال ۶۰ می‌گذرد، سازمانی که خمینی دجال و شقاوت‌پیشه و رژیم ضدبشری او، کمر به‌نابودیش بسته بود، در فرازی بسا پرشکوه، به‌خصوص در سه سال اخیر، ماندگاری و پایداری نسل مجاهد را به‌ثبت رساند.

سپس فیلمی از مراسم رژهٔ ارتش آزادیبخش ملی که به‌مناسبت سالگرد ۱۹ و ۲۲بهمن برگزار گردیده، به‌نمایش درآمد که بسیار مورد توجه حاضران قرار گرفت.

درادامه آقای پرهام ملیحی که خود در ۱۹بهمن سال۶۰ در زندان اوین شاهد نمایش اجساد شهدای مجاهدین توسط لاجوردی و شکنجه‌گران رژیم بوده، مشاهدات و خاطرات خود را برای حاضران شرح داد که آنها را تحت تأثیر قرار داد.

قسمت پایانی مراسم، نمایش فیلمی خاطره انگیز، از مراسم سالگرد شهدای ۱۹بهمن، درسال۶۴ بود که در جمع کثیری از حامیان مقاومت برگزار شده بود. این برنامه با اجرای دستجمعی سرود گل توفان، به‌پایان رسید.

برکلی ـ آمریکا

روز یکشنبه ۲۳بهمن مراسم با شکوهی به‌مناسبت سالروز ۱۹بهمن، عاشورای مجاهدین و سالگرد انقلاب ضد سلطنتی در سالن کلاب تاور هیل تاپ از توابع شهر برکلی درکالیفرنیای شمالی برگزار گردید. سالن محل برنامه با عکسهای اشرف زنان مجاهد و سردار شهید خلق و هم‌چنین ۱۸تن از یاران همراهشان به‌زیبایی تزئین شده بود. در کنار عکسها شمعهای قرمز رنگی به‌یاد آنها روشن شده بود.

در ابتدا فیلمی به‌مناسبت ۱۹ بهمن پخش شد که همهٔ حاضران را تحت تاثیر قرار داد. بعد از آن قسمتهایی از سخنرانی رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت خانم مریم رجوی، و رهبر مقاومت آقای مسعود رجوی،در ۱۹بهمن۱۳۶۴ پخش گردید که به‌شدت حضار را تحت تاثیر قرار داد.

در ادامهٔ برنامه یکی از ازفعالان مقاومت در شهربرکلی ضمن سخنرانی کوتاهی گفت: خمینی در انقلاب ربوده شدهٔ ۲۲ بهمن شاخص غدر و خیانت و شاخص جور و شقاوت است. ولی رهبری ما چه در زمان شاه، چه در زمان شیخ، چه در ۳۰خرداد و چه در ۱۹بهمن، چه در زندان و چه در تهران و پاریس و بغداد، درس وفا و پاکبازی داد. امید و اعتماد پرپرشده و خیانت شدهٔ یک خلق جز با رنج و خون رشیدترین فرزندانش التیام داده نمی‌شود. از اشرف و موسی تا صفی به‌درازای یکصد و بیست هزار شهید. وی در ادامه گفت: سه سال پیش در عاشورای سال۸۱، دو هفته قبل از شروع جنگ و بمبارانها، فرمان یک پایداری شگفت و پرشکوه داده شد که به یک صبر و شکیبایی تاریخی فرامی‌خواند. بعد از آن «پیام مسعود» که در سال۸۱ منتشر شده است، قرائت شد.

آن‌گاه فیلم رژه که به مناسبت سالگرد انقلاب ضدسلطنتی در شهر اشرف برگزار شده است، به نمایش گذاشته شد که مورد توجه وتشویق حاضرین بسیار قرار گرفت. تقدیم گل به لوح اشرف توسط مصطفی فرزندش از صحنه‌هایی بود که به‌طورخاص ابراز احساسات حاضرین را برانگیخت.

این مراسم با پخش سرود گل توفان به‌پایان رسید.

سیدنی ـ استرالیا

روز جمعه ۲۱بهمن، در شهر سیدنی استرالیا، مراسم یادبودی به‌مناسبت بیست وچهارمین سالگرد شهادت مجاهد خلق اشرف رجوی و سردار کبیرخلق موسی خیابانی و دیگر یاران شهیدشان با حضور جمع کثیری از هم‌میهنان ایرانی و میهمانان استرالیایی برگزار گردید. در پیام آغازین مراسم چنین عنوان شد:

گردهمایی ما جلوه‌یی از مبارزهٔ ادامه‌دار برای صلح و دموکراسی در ایران است. بیست و چهار سال قبل در چنین ایامی پاسداران با یورش به یکی از پایگاههای مجاهدین در تهران ۲۰نفر از اعضای سازمان مجاهدین را به‌شهادت رساندند. این حرکت سبعانه، آشکارا ماهیت رژیم را افشا نمود از همین‌رو این واقعه نقطهٔ عطفی در مبارزهٔ ما برای آزادی و دموکراسی درایران محسوب می‌شود. مبارزه‌یی که در این سالیان برای برقراری حقوق بشر، آزادی بیان، آزادی زنان و هم‌چنین جلوگیری از اتمی‌شدن ملایان جریان داشته‌است.

در شروع، پیام تبریک خانم رجوی به‌مناسبت ارجاع پروندهٔ رژیم به شورای امنیت سازمان ملل توسط مجری برنامه قرائت گردید.

سپس سخنرانان به ایراد سخنرانی پرداختند. سخنرانان این جلسه عبارت بودند از:

نصرت حسینی، یکی از جوانان برگزیده سال ۲۰۰۵ در ملبورن استرالیا،

محمد صادقپور، یکی از اعضای انجمن دفاع از آزادی و حقوق بشر درایران- استرالیا، دکتر جاسلین آنا اسکات، حقوقدان و نویسنده مدافع برابری حقوق زنان دراسترالیا، دکتر مریدیس برگمن، نماینده مجلس ایالت نیو ساوت ولز از حزب کارگر،

سیلویا هل، نماینده پارلمان نیو ساوت ولز از حزب سبزها

دکتر آرتور چسترفیلد- ایوان، نماینده پارلمان ایالت نیو ساوت ولز و رهبر حزب دموکرات در این ایالت

سلی مک مونس، نماینده اتحادیه کارگری و یکی از اعضای ائتلاف صلح وعدالت در سیدنی.

در خلال برنامه فیلم ویدئویی از مراسم ۱۹بهمن به‌نمایش گذاشته شد که حاضران را تحت تأثیر قرار داده و مورد توجه آنها واقع شد.

در پایان، بیانیهٔ انجمن دفاع از آزادی وحقوق بشر در ایران- استرالیا، که به‌مناسبت بیست و چهارمین سالگرد ۱۹بهمن تنظیم شده‌بود، توسط آقای محمد صادقپور قرائت گردید.

برگزاری مراسم ۱۹ و ۲۲ بهمن، با شرکت ایرانیان آزاده در شهرهای مختلف اروپا، آمریکا و استرالیا

دالاس ـ آمریکا

این برنامه با سرود «ای ایران» افتتاح شد و سپس فیلم رژهٔ پر شکوه شهر اشرف به‌مناسبت بیست و هفتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی، به‌نمایش گذاشته شد که مورد توجه حضار و شرکت کنندگان قرار گرفت.

آقای حسن بهشتی یکی ازمسؤلین جامعهٔ ایرانیان مقیم آمریکا در سخنانی به مناسبت انقلاب ضد سلطنتی گفت: ادامهٔ این انقلاب را هم‌اکنون می‌توان در خیزش و تظاهرات مردم ایران ودر مقاومت ایران جستجو کرد. بعد ازآن خانم حمیرا حسامی مسؤل جامعهٔ زنان به موضوع بنیادگرایی رژیم و نقش رژیم در این رابطه پرداخت که مورد توجه حضار، به‌ویژه شهروندان آمریکایی حاضر در جلسه قرار گرفت.

قسمت بعدی برنامه به سخنرانی در رابطه با بزرگداشت بیست وچهارمین سالگرد ۱۹بهمن اختصاص داشت. سپس فیلمی دراین رابطه به‌نمایش گذاشته شد و به‌دنبال آن سرود گل توفان پخش شد.

در خلال برنامه تعدادی ازحضار که ۱۹بهمن ۱۳۶۰ در ایران بودند با گفتن خاطره‌هایی یاد آن‌روز را گرامی داشتند. درانتها بار دیگر رژهٔ مجاهدین درشهر اشرف، که به‌شدت مورد توجه حضار قرارگرفته بود، به‌نمایش گذاشته شد. گزارشگر تلویزیون BW۳۳ از برگزاری این مراسم گزارش تهیه کرد که در برنامه شامگاهی آن پخش شد.

ونکور ـ کانادا

به‌مناسبت بیست و چهارمین سالگرد ۱۹بهمن در بزرگداشت شهدای والامقام عاشورای مجاهدین، سردار شهید موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد، اشرف رجوی، مراسم با شکوهی عصر روز یکشنبه ۲۳بهمن در ونکور کانادا برگزار شد.

سالن برنامه با عکسهای شهدای عاشورای مجاهدین تزئین شده بود و در میان گل و شمع جلوهٔ خاصی به این برنامه داده‌بود. سخنان سردار خیابانی و ایمان راسخش به پیروزی اشک شوق به چشمان دوستان مقاومت نشاند و رمز پایداری مجاهدین را در عزمشان برای آزادی به‌ثبوت می‌رساند در چهره‌ها عشق به این مقاومت و در کلامها امید موج می‌زد. در شروع برنامه بعد از خوش‌آمدگویی به حاضران، فیلم ویدئویی که به‌مناسبت بزرگداشت ۱۹بهمن تهیه شده‌بود پخش گردید سپس رژهٔ ارتش آزادیبخش که در شهر اشرف به‌همین مناسبت برگزارشده بود، پخش شد. دیدن سلحشوران شهر شرف امید دیگری در دل دوستداران این مقاومت ایجاد کرد و وجد و سرور حاضرین را در پی داشت. این مراسم با خواندن دستجمعی سرود «گل توفان» خاتمه یافت.

کپنهاگ ـ دانمارک

همزمان با بیست وچهارمین سالگرد ۱۹بهمن، عاشورای مجاهدین، مراسم باشکوهی باحضور جمعی از ایرانیان و هواداران مقاومت که از نقاط مختلف دانمارک آمده بودند برگزار گردید.

دراین مراسم ابتدا سرود چهل فراز پخش شد و به‌دنبال آن یکی از اعضای مقاومت طی سخنانی گفت: آن‌روز در صحنهٔ عاشورای مجاهدین خون هزاران رزمنده و میلیشیای قهرمان مجاهد خلق در خون اشرف و موسی گره خورد و در شریان تاریخ مبارزات این میهن جاودان گردید و چون مشعلی فروزان در گذرگاه رهایی خلق از چنگال رژیم ضدبشری خمینی و در مسیر آزادی خلق و میهن و تحقق جامعهٔ بی‌طبقهٔ‌توحیدی، برافروخته شد.

سپس فیلمی دربارهٔ حماسهٔ ۱۹بهمن ۱۳۶۰ پخش گردید. در پی آن چند دکلمه پرشور به‌مناسبت این روز حماسی اجرا گردید و هم‌چنین خاطراتی از سلولهای زندان در ایام ۱۹بهمن سال ۶۰ و صحنه‌های مقاومت زندانیان، بازگو شد.

مراسم با سرود جمعی «موسی پیام داد» به پایان رسید.

یوتوبوری ـ سوئد

بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۳بهمن ایرانیان آزاده و هواداران مجاهدین مراسمی در بزرگداشت سالروز ۱۹بهمن، و سالگرد قیام ضدسلطنتی برگزار کردند.

این مراسم با پخش بخشهایی از سخنرانی خانم صدیقه حسینی مسئول اول سازمان مجاهدین در مراسم رژه یگانهای ارتش آزادیبخش که به همین مناسبت در شهر اشرف انجام شده بود آغاز گردید. سپس یکی از اعضای مقاومت به ایراد سخنرانی پرداخت.

آن‌گاه فیلمی از حماسهٔ ۱۹بهمن پخش گردید که حضار را به‌شدت تحت تأثیر قرارداد.

در بخش هنری برنامه اشعاری چند توسط حامیان مقاومت خوانده شد. سپس آیدا خوانندهٔ جوان هوادار مقاومت، ضمن اجرای ترانه‌هایی که خود تهیه و تنظیم کرده بود آنها را به رزمندگان شهر اشرف و شهدای مجاهدین تقدیم کرد.

پایان بخش مراسم سرود گل توفان بود که به‌طور دستجمعی اجرا شد.

بروکسل ـ بلژیک

همزمان با بیست وچهارمین سالگرد حماسه عقیدتی مجاهدین ۱۹بهمن، شهادت خواهرمجاهد اشرف رجوی و سردارشهید خلق موسی خیابانی و یارانشان، مراسم باشکوهی در بروکسل باحضور جمعی از ایرانیان و هواداران مقاومت که از نقاط مختلف بلژیک آمده بودند برگزار گردید.

محل مراسم به‌طرز بسیار باشکوهی تزئین شده بود. ۲۴شمع به‌یاد بیست چهارمین سالگرد عاشورای مجاهد درکنار عکسهای شهدای آن‌روز، جلوه‌یی خاصی به سالن بخشیده بود و یاد و خاطرهٔ آن قهرمانان را برای همه زنده می‌کرد.

دراین مراسم ابتدا فیلمی دربارهٔ حماسهٔ ۱۹بهمن ۱۳۶۰ پخش گردید. که شرکت‌کنندگان را به‌شدت تحت تاثیر قرار داد. سپس فرازهایی از نامهٔ اشرف رجوی به رهبر مقاومت مسعود رجوی قرائت گردید. در ادامه دو دکلمهٔ پرشور به‌مناسبت این روز حماسی اجرا گردید.

آن‌گاه یکی از اعضای مقاومت به ایراد سخنرانی پرداخت و در بخشهایی از صحبتهای خود گفت: درود می‌فرستیم بر مسعود و مریم و بنیانگذاران مجاهدین و پرچمداران بزرگ عاشورای مجاهدین و سلام بر یکصد و بیست هزار جاودانه فروغ آزادی، چرا که سازمان مجاهدین و دستاوردهایش، ثمرهٔ اندیشه و ایمان و عمل و مجاهدت و خون و فداکاری خالصانهٔ این پیشوایان آزادی است. سازمانی که بن بست مبارزاتی دوران را به رغم همهٔ «نمیتوانها و نبایدها» درهم شکست و به‌قول پدر طالقانی راه جهاد را گشود.

در ادامهٔ برنامه قسمتهایی از پیام مسئول اول سازمان مجاهدین خلق خواهر مجاهد صدیقه حسینی و سپس قسمتهای از رژهٔ یگانهای ارتش آزادیبخش به‌مناسبت بزرگداشت ۲۲بهمن در شهر شرف پخش گردید. که جمعیت حاضر را به‌شدت تحت تأثیر قرارداد.

مراسم با خواندن جمعی سرود «موسی پیام» پایان یافت.

اسلو ـ نروژ

درگرامیداشت حماسهٔ ۱۹بهمن، عاشورای مجاهدین و سالگرد انقلاب ۲۲بهمن عصر روز شنبه ۲۲بهمن، مراسم باشکوهی با حضور جمع کثیری از هموطنان و هواداران مجاهدین خلق ایران در سالن اجتماعات دانشگاه اسلو برگزار شد.

این مراسم با حضور و استقبال چشمگیر ایرانیان همراه بود. نمادی از شهدای ۱۹بهمن و شهید اشرف رجوی و سردار آزادی در کنار شمعهای قرمز رنگ و گلهای لاله زینت بخش این برنامه بود.

در ابتدا فیلمی از حماسه ۱۹بهمن و در پی آن سرود ۴۰ فراز پخش گردید. سپس خانم هانه کریستان ساند کشیش، از یاران دیرین مقاومت به ایراد سخنرانی پرداخت. ایشان با اشاره به حماسهٔ ۱۹بهمن و صحنه‌هایی که از این حماسه پخش گردید گفت: اصلاً برای من قابل فهم نیست که چگونه می‌توان به این انسانهای والا که عاشق صلح و آزادی هستند، اتهام تروریسم زد.

آن‌گاه پیام سازمان خه بات کردستان ایران به همین مناسبت، توسط کاک محمود یوسفی نمایندهٔ این سازمان در نروژ قرائت گردید.

در ادامه، قطعه شعری توسط یکی از هواداران مقاومت که به همین مناسبت سروده شده‌بود قرائت گردید. سپس یکی از زندانیان سیاسی سابق به بازگویی خاطرات خود در رابطه با وقایع حول شهادت اشرف و موسی پرداخت که احساسات شرکت کنندگان را به‌شدت برانگیخت. خواندن جمعی «سرود قسم» پایان بخش این مراسم بود. رسانه‌های نروژی ضمن حضور در مراسم به تهیه گزارش و عکس پرداختند.

چند پرسش و پاسخ پیرامون ارجاع پرونده اتمی رژیم آخوندی به شورای امنیت

برگزیده از برنامه ارتباط مستقیم «سیمای آزادی» با شرکت دکتر منوچهر هزارخانی

آن‌چه در زیر می‌خوانید، گزیده‌یی است از پرسش و پاسخهای مطرح‌شده در برنامه ارتباط مستقیم سیمای آزادی ـ تلویزیون ملی ایران، که روز چهارشنبه ۱۲بهمن۸۴ برگزار گردید

سینه‌زدن برای منافع فرضی ملی برای‌این‌که این رژیم ادامه پیدا کند، هیچ معنایی جز عوامفریبی ندارد

● چرا مقاومت ایران همواره دنبال ارجاع پرونده اتمی رژیم به شورای امنیت بوده و این موضوع چه مسأله‌یی را حل می‌کرد

اهمیت ارجاع پرونده اتمی رژیم به شورای امنیت سازمان ملل ناشی از اهمیت موضوع سلاح اتمی است. سلاح اتمی به‌دلیل اهمیتش به سلاح مطلق معروف شده است. وقتی سلاح مطلق در دست کسی باشد دیگر به آسانی نمی‌توانند هر کاری که می‌خواهند با او انجام بدهند به‌خصوص اگر در دست دیوانه‌هایی مثل آخوندها باشد.

علمی هم که آخوندها دنبال آن هستند علتی ندارد جز برای مجهز شدن به سلاح اتمی، برای این‌که هم یک نوع تضمین برای بقای خودشان است و هم برای ادعای قدرت جهانی شدن به آن نیاز دارند. و از همین بابت هم خطرناک است و بسیج همه نیروهای جهانی برای مقابله با این خطر لازم است. این حداقل کار است. راه قانونی آن هم این است که به شورای امنیت ارجاع داده شود.

با خطر اتمی نمی‌شود شوخی کرد. خطری است که بشریت را تهدید خواهد کرد، آنهم نه یک نسل را، بلکه آثارش روی نسلهای بعدی هم خواهد ماند. بنابراین خطری است که مختصری از تصور آن‌را، ژاپنیها دارند، ولی بقیه دنیا ندارند و از کنارش به آسانی رد می‌شوند.

● بعضیها می‌گویند ارجاع پرونده رژیم به شورای امنیت با منافع ملی ایران در تعارض و تضاد است و در این میان این ایران و مردم ایران هستند که ضرر می‌کنند و تأکید روی مسأله استقلال ایران دارند. حتی رادیو بی.بی.سی هم در گزارشی که چند وقت پیش پخش کرد از فعالیتهای اتمی رژیم تحت عنوان منافع مردم ایران دفاع می‌کرد.

این یکی از ابزارهای عوامفریبانه‌یی است که از قدیم از آن استفاده کرده‌اند و در آینده هم خواهند کرد. ولی باید این افسانه را شکافت و پوچی آن‌را نشان داد. آنهایی که برای منافع ملی ایران سینه می‌زنند در ابتدا بگویند این ملی و ملت را به چی و به چه کسی می‌گویند و منافع ملی را چه کسی نمایندگی می‌کند؟

تمام هیأتهای حاکمه در تمام دنیا، در هر رژیمی که باشد، منافع خودشان را منافع ملی قلمداد می‌کنند. آنهایی که به‌طور دموکراتیک سر کار آمده‌اند، صورت به ظاهر موجه دارند و آنهایی که غیردموکراتیک آمده‌اند خود را قیم مردم می‌دانند. نظم موجود جهانی هم روی همین بنا شده است. یعنی این که دولتها را نماینده ملتها می‌دانند؛ سازمان ملل متحد هم این‌طور کار می‌کند، با ملتها کاری ندارد، سازمان دولتهای غیرمتحد هست.

موقعی که احمدی نژاد آمد، شعارش این بود که می‌خواهد عدالت اجتماعی را برقرار کند. این شعار یعنی چی؟ یعنی بی‌عدالتی به حد اکمل رسیده است. بی‌عدالتی یعنی چی یعنی یک عده‌یی حق کسان دیگری را می‌خورند. یعنی یک عده‌یی بقیه را برای پیشبرد منافع خودشان استثمار می‌کنند و حد و حدودی را نمی‌شناسند. این «ملت» یک مجموعه استثمارکنندگان و استثمارشوندگان را معرفی می‌کند. آن‌چه که در وضع کنونی جهان معرف منافع و مصالح ملی تلقی می‌شود، دولت و هیأت حاکمه است. فرانسه یک کشور دموکراتیک است. دو نفری را که در قتل دکتر کاظم رجوی دست داشتند و دولت آلمان به فرانسه تحویل داده بود و قرار بود آنها را به سوئیس بدهند، آزادشان کردند. این‌کار را دولت چطور توجیه کرد؟ گفت با سنجیدن مصالح عالی ملی آنها را آزاد کرده است. منافع خود را منافع ملت قلمداد کردن یکی از نقشهای دولت است، برای این‌که روی جدالی که در داخل دارد پرده بکشد.

این‌جا هم همین‌طور است. کسانی که فکر می‌کنند اگر دست رژیم آخوندی سلاح اتمی باشد به نفع ملت ایران است از دو حال خارج نیست یا آدمهای رژیم هستند یا بسیار آدمهای ابلهی هستند. برای این‌که چطور می‌شود رژیمی که مردمش آن‌را قبول ندارند منافعی داشته باشد که خیرش به مردم برسد. این موضع را که حالا شما در مورد فعالیتهای اتمی یادآوری می‌کنید، قبلاً هم در جنگ میان ایران و عراق به صورت دیگری داشتیم. ولی استدلال همین بود با نام جنگ «میهنی».

وقتی که ارتش آزادیبخش به نیروهای رژیم حمله می‌کرد می‌گفتند مجاهدین به نیروهای ایران حمله کرده‌اند و فقط هم آدمهای به‌اصطلاح میهن‌پرست نمی‌گفتند، رادیوهای فارسی زبان خارجی هم همین را تبلیغ می‌کردند.

وقتی زمان فروغ جاویدان ارتش آزادیبخش حرکت کرد چطور شد که همه «میهن‌پرستان» گلوله شدند و پشت سر رژیم قرار گرفتند و همه‌شان از همه جای دنیا پیام می‌دادند که جلو حمله‌کنندگان را بگیرید، چرا؟ آخر ارتش آزادیبخش که ایرانی است نمی‌رود که کشورش را «اشغال» کند! چرا آن‌را دشمن «خارجی» نشان می‌دهند؟ برای این‌که منافع متضاد دارند. آنها راحت‌تر پشت سر رژیم قرار می‌گیرند تا آدمهایی که واقعاً خواهان برانداختن ظلم و بی‌عدالتی هستند. آنها بساط میهن‌پرست بازی را هر چه زودتر جمع کنند به نفع خودشان است چون آبرویشان کمتر می‌ریزد.

● با رفتن پرونده رژیم به شورای امنیت برخیها ابراز نگرانی که در این شورا مجازاتهایی مثل تحریم تصویب شود در این صورت این مردم ایران هستند که به دلیل همین مجازاتها تحت فشار قرار می‌گیرند.

اینهم در طیف همان سؤال قبلی است و مفهوم آن این‌است که اگر رژیم به فناوری هسته‌یی دست پیدا کند برای مردم ایران خوب می‌شود و مردم ایران در آسایش و راحتی زندگی می‌کنند. در حالی‌که تجربه روزانه در صحنه جهانی عکس این‌را نشان می‌دهد.

کشورهایی که فعلاً ابتکار این‌کار را به دست گرفته‌اند خودشان می‌گویند اولین اقداماتی که انجام می‌شود جنبه لطمه‌زدن به جمعیت کشور را ندارد و فقط به دولت و هیأت حاکم لطمه می‌زند یعنی ملاقاتهای سطح جهانی را ممنوع می‌کنند. رفت وآمدها و مسافرتهای رسمی را محدود می‌کنند از این قبیل.

بنابراین سینه‌زدن برای منافع فرضی ملی برای‌این‌که این رژیم ادامه پیدا کند، هیچ معنایی جز عوامفریبی ندارد.

● حرف رژیم در مورد پروژه‌های اتمیش، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌یی است و می‌گوید دنیا قصد دارد جلو فنآوری صلح‌آمیز و پیشرفت ایران در استفاده از انرژی هسته‌یی را بگیرد و بعضیها هم پشت این موضوع می‌روند و جنبه عملی و پیشرفت علمی را برجسته می‌کنند و آن‌را حق رژیم و به بیان آنها حق مردم می‌دانند. در این مورد چه توضیحی دارید؟

یک بچه کودکستانی را به من نشان دهید که این حرف را باور کند. رژیمی که خاک میهن را به توبره کشیده و آدمها را به سیخ می‌کشد، تظاهرات کارگران شرکت واحد را با آن شدت سرکوب می‌کند، تظاهراتی را که ماده اول بیانیه آن اعلام وفاداری به رژیم است نمی‌تواند تحمل کند، شما باور می‌کنید آنها غم پیشرفت علمی داشته باشند، بخواهند برای مردم برق تولید کنند و برای همین می‌خواهند فعالیت اتمی داشته باشند؟ چه کسی این‌را باور می‌کند در حالی‌که تمام قرائن و شواهد عکس آن‌را ثابت می‌کند؟ رژیم فکر می‌کند اگر به سلاح اتمی دست پیدا کند، ضمانت همیشگی حکومت اسلامی را به‌دست آورده است.

می‌گویند مردم ایران یک حقی دارند؛ ولی بلافاصله این حق را به دولتی می‌دهند که منتخب مردم ایران نیست. اگر حق مردم است بگذارید وقتی مردم به حاکمیت رسیدند دنبال حقشان باشند، اما اگر حق دولت است دیگر مردم را بدنام نکنید. دولت برای پیشبرد امور خودش، که با تروریسم پیوند بسیار نزدیک دارد در سطح جهان، می‌خواهد به سلاح اتمی دست پیدا کند؛ با این موافق هستید یا مخالفید؟ طرح درست سؤال به این شکل است.

من شخصاً به استفاده از نیروی اتمی رأی منفی می‌دهم، ولو برای تولید برق باشد. خطرش قابل‌پیش‌بینی و قابل جلوگیری نیست. چرنوبیل نمونه‌اش هست و چرنوبیلهایی که وجود داشتند ولی صدای آن‌را در نمی‌آورند.

اما راجع به حق مردم ایران، اگر این حق باشد چطور و چرا با چه استدلالی حق مردم ایران را به حکومت آخوندی می‌سپرید؟

فرق مقاومت ایران با میهن‌پرستان موسمی در این است ما با رژیم حاکم بر ایران هیچ وجه اشتراکی احساس نمی‌کنیم و همدیگر را طرد می‌کنیم. به محض این‌که شما کوچکترین وجه اشتراکی پیدا کردید، می‌لغزید به سمت رژیم و پشت او در چنین گلوگاههایی قرار می‌گیرید.

ما علیه جنگ «میهنی» رژیمی بودیم که به نام ایران با یک نیروی خارجی داشت می‌جنگید. ما نیز تا وقتی که نیروی خارجی در خاک کشور بود علیه او بودیم، ولی از وقتی خاک کشور را ترک کرد و به اشغالش خاتمه داد ما طرفدار صلح شدیم.

حالا سر نیروگاه هسته‌یی هم همین‌طور است. فناوری هسته‌یی را برای مجهز کردن خودشان به سلاح اتمی می‌خواهند و این‌را پرده پوشی می‌کنند عده‌یی هم هستند که کمکشان می‌کنند ما هم این‌جا هستیم که افشایشان کنیم

وقتی رژیمی آمده و به زور کرسیهای حکومت را گرفته، این یک نوع تسلیم است که منافع او را با منافع مردم قاطی کنیم؛ به این ترتیب حربه خودمان را کند و حیثیت خودمان را لکه‌دار می‌کنیم. به یک سازمان می‌شود ایراد گرفت که تو چرا به برنامه‌یی که اعلام کرده‌ای عمل نکرده‌ای. ولی منطقاً نمی‌شود به یک سازمانی، حزبی، تشکیلاتی ایراد گرفت که تو چرا به آن‌چه که گفتی داری عمل می‌کنی. ما گفته‌ایم دشمن اصلی مردم ایران رژیم آخوندی است، هر چه که در خدمت منافع رژیم آخوندی باشد به ضرر مردم ایران است و هر چه که به ضرر رژیم آخوندی باشد به نفع مردم ایران است.

هیچ شائبه قاطی‌کردن منافع را تا به حال نداشته‌ایم. الان به ما چه ایرادی می‌گیرند؟ می‌گویند این منافع را قاطی کنید! نه، ما قاطی نمی‌کنیم؛ مصالح رژیم یک چیز است و مصالح مردم ایران یک چیز دیگر. منافع مردم ایران ایجاب می‌کند که این رژیم نه تنها به سلاح اتمی مجهز نشود بلکه سقوط کند و هر چه زودتر سقوط کند بیشتر به نفع مردم ایران است ما در این راه پیش می‌رویم.

● چرا رژیم روی ادامه فعالیتهایش برای پرژوه‌های اتمی اصرار می‌ورزد، در حالی‌که عواقب آن به‌خوبی برای رژیم روشن است. روی چه پارامترهایی حساب باز کرده است؟

اگر تصور شود که بازیهای رژیم بی‌حساب و کتاب است، اشتباه است. اینها بیان‌کننده یک سیاست است. سیاستی که با آمدن احمدی‌نژاد دارد اجرا می‌شود. ظاهر تند و تیزی دارد ولی باطن آن از پوسیدگی و ورشکستگی خبر می‌دهد.

رژیم با حساب و کتاب وارد این ماجراجویی یا قمار سیاسی شده است. البته نمی‌دانم روی چه چیزی حساب می‌کند ولی آن‌چیزی که از دور پیداست و می‌فهمیم این است که رژیم حسابهایش را کرده و وارد این ماجراجویی یا قمار سیاسی شده است و در این زمینه از سیاست شل کن سفت کن که سیاست خاص آخوندی است دارد استفاده می‌برد. هیأت حاکمه کنونی به‌خصوص از رقابت و اختلاف‌نظر قدرتهای بزرگ دنیا و شکاف میان آنها می‌تواند استفاده کند؛ از رقابتی که میان چین و روسیه با کشورهای غربی وجود دارد و از اختلافاتی که میان آمریکا و اروپا هست بهره‌اش را می‌برد؛ از برگی که در عراق، به‌دلیل دخالتهایش، در دست دارد استفاده می‌کند؛ می‌تواند از ماهیت تروریستی خودش برای ایجاد آشوب و بلوا در کشورهای دیگر و برای ترساندن و باج گرفتن از بقیه استفاده کند؛ می‌تواند به عنوان علمدار نهضت اسلامی ـ که الان مورد توجه سیاستهای غربی است تا منطقه را آرام کنند و به جنگ خاتمه بدهند و سروسامانی به خاور میانه بدهند ـ آن‌جا را شلوغ کند و استفاده‌اش را ببرد. تمام این آتوها را دارد. از این برگهایی که در دستش هست هم استفاده کرده و هم استفاده خواهد کرد. اینها چیزهایی است که روی آنها حساب می‌کند.

● از سالها پیش مقاومت ایران خطرات سلاح اتمی و دستیابی رژیم به آن را گوشزد می‌کرد ولی گوش شنوایی وجود نداشت حالا چی شده که الان با چنین صحنه‌یی مواجه هستیم

دقیق نمی‌توانم بگویم چرا الان با آن مواجه هستیم، ولی می‌توانم بگویم قدرتهای بزرگ دنیا، آنهایی که علیه رژیم برگشته‌اند، تا مدتها همراه رژیم حرکت می‌کردند. سیاست آنها رژیم را تقویت می‌کرد. رژیمی که هیچ حیثیتی در میان هموطنان در داخل کشور ندارد، اگر حمایت سیاست خارجی را از پشت آن بردارند تزلزش ضریب مهمی پیدا خواهد کرد و سقوطش خیلی نزدیک خواهد شد.

ظاهراً کتابی در آمریکا چاپ شده که گزارش مختصری از آن‌را در یکی از روزنامه‌ها خواندم در مورد گافهایی که سیا طی ۲۰سال مرتکب شده است. در مورد ایران می‌نویسد آمریکاییها از سال ۲۰۰۰ مطلع بودند که اینها دارند کارهایی می‌کنند ولی به روی خودشان نمی‌آوردند و یک سیاست دلربایی در مقابل رژیم داشتند. سیاست فعلی را جدیداً در پیش گرفته‌اند.

چرا حالا؟ چون احساس کرده‌اند که اگر به همین ترتیب ادامه بدهند مزاحمتهای زیادی برایشان در سطح جهان ایجاد خواهد کرد. ماکزیمم کوشش را کردند که با این رژیم کنار بیایند، از وارد کردن نیرو در اورسوراواز تا وارد کردن نام مجاهدین در لیست تروریستی تا هر گونه محدودیت و فشاری که می‌شد بر مقاومت وارد آورد، و می‌دانید که مقاومت تنها نیرویی بود که در مقابل رژیم ایستاد و یک لحظه هم مقابله را تعطیل نکرد.

الان لابد به جایی رسیده‌اند که منافع خودشان را درخطر می‌بینند. من دلیل دیگری نمی‌بینم؛ به خصوص نه این دلیل را که نیروهای انساندوستی هستند یا به پرنسیپهای اخلاقی متعهدند. هر چه منافع روزشان باشد همان را می‌گویند و فردا زیرش می‌زنند. با چنین دنیایی طرف هستیم و باید راهمان را باز بکنیم.

به همین دلیل به طور دقیق نمی‌توانم بگویم چرا حالا به این فکر افتاده‌اند فکر می‌کنم بهتر است از خودشان بپرسید!

● آیا ارجاع پرونده رژیم به شورای امنیت کافی است و آن‌چه را که مقاومت و مردم ایران می‌خواستند به وسیله آن به آن می‌رسند؟

این قدم اول است که خارج از مقاومت ایران دارند برمی‌دارند. آن‌چه که ما می‌خواهیم این نیست. ما خواهان سرنگونی رژیم هستیم. توسط مردم و مقاومت ایران. خواهان محکوم‌کردن رژیم به‌عنوان قدم آخر نیستیم. باید قدم به قدم از این خرس مو کند؛ ولی سرعت این قدمها کند است چون می‌خواهند با اجماع پیش بروند. بدیهی است این نهایت چیزی که ما می‌خواهیم نیست.

سایت «شهر شرف» اشرف WWW.ashrafcity.com

آغوش کوهستان

طارق ـ اشرف

به یاد مجاهد شهید علی صمیمی، از مسئولان جنبش ملی مجاهدین در سنقرکلیایی و کرمانشاه

دستی در تاریکی مرا تکان داد چشم گشودم، باد پردهٔ اطاق را به بازی گرفته بود، جعفر زیر گوشم گفت:

ـ بلند شو داره دیر می‌شه الان آفتاب می‌زنه.

یادم افتاد که آن روز قرار است به قلهٔ کوه دالاخانی صعود کنیم. برخاستم سریع وضو گرفتم، نماز خوانده، به‌سرعت کفشهایم را پوشیده، کوله بارم را برداشم. جعفر، فریدون، موسی و سایرین در کوچه، آمدنم را انتظار می‌کشیدند.

گل میخهای کفشهایمان در سنگفرش تاریک کوچه طنین می‌انداخت. چند خروس آوای تابدار و نقره‌یی خودرا در دوردستها روی حجم تاریکی می‌پاشیدند. آسمان بی‌ابر بود و ستارگان در زمینهٔ آن مانند پولکهای نورانی، سوسو زنان. از شهر که دور شدیم، تا مسافتی فقط علفهای شبنم آجین و کرتهای آب زیر پایمان گسترده بود. کم کم کوچه باغها با بوی مست گلهای زرد سنجد نمایان شدند. وقتی به کوهپایه‌ها رسیدیم، فلق دمیده بود و پرندگان تک و توک به آواز در آمده بودند.

علی طوری‌که همه بشنوند بلند گفت:

ـ بچه‌ها! تا آفتاب پهن نشده، باید به بالای قله برسیم، گرما که شروع بشه صعود غیر ممکنه. خستگیها رو بذاریم بالای قله در کنیم. الان موقع راه افتادنه.

آن‌گاه کولهٔ خود را برداشت و راه افتاد. او میله‌یی دراز و نوک تیز به دست راست داشت و از آن برای بالارفتن از صخره‌ها کمک می‌گرفت.گفته می‌شد زیر و بم کوه دالاخانی را کاملاً بلد است و چند شب، تنها در کوه سرگردان بوده و آن‌سوی قله، نیز با یک پلنگ عصبانی مصاف داده است. صعود به قله شروع شد. هرکس از گوشه‌یی از دامنه خود را بالا می‌کشید. مدت کوتاهی نگذشت که افراد پخش و پلا شدند. یکی جلو بود، دیگری پایش هنوز به دامنه نرسیده بود. چند نفر تک و توک و سریعتر از سایرین حرکت کرده بودند. علی گویی به فرجام وضعیت ما اشراف داشت، ایستاد، لبخند زد و با صدای رسا گفت:

ـ هرکس هرجا هست، توقف بکنه!

کوهنوردان مانند دانه‌های تسبیحی که ناگهان بگسلد و روی زمین پراکنده شود، هرکدام به گوشه‌یی رفته بودند.

ـ این صحنه را نگاه کنید. سرنوشت کسانی که بدون راهنما قدم به راه می‌گذارند، همینه. شما هنوز چند متر بیشتر راه نرفته‌اید، چرا از هم جدا شدید؟ تازه هیچ مانع جدی هم در مسیرتان نبود، دشمن هم نداشتید.

به هم نگاه کردیم، چند نفر از شرم سر پایین انداختیم، علی گفت:

ـ برگردیم و از اول شروع کنیم.

پرویز با دلخوری:

ـ حالا نمی‌شه ما این بالا بمونیم، تا بقیه به ما برسن؟

مصطفی به جای علی جواب داد:

ـ بچه‌ها! ببینین، شما همه می‌خواین به قله برسین. هدف یکیه، ولی خطرات فراوانی توی راه ممکنه پیش بیاد. پای یکی پیچ بخوره. یکی راهو گم کنه. دیگری از پرتگاه پرت بشه. کسی رو گرگ بخوره و... بنابراین برای تضمین رسیدن به قله باید جمعی کار کرد. برای کار جمعی هم باید نظم و تقسیم کار و راهنما داشت.

احمد پرسید:

ـ تقسیم کار ما چه جوریه؟

علی کاغذی از جیبش در آورد:

ـ من قبلاً شما را سازماندهی کرده‌ام. می‌خوانم، کسی نظر دیگری داشت، بگه:

مصطفی: جلودار. احمد: میاندار. رضا: عقب‌دار. مسئول دادن آنتراکت: کوروش. مسئول سرود: حسن. ترتیب نفرات در راهپیمایی:... در ضمن هر جای کوه نباید، مواد خوراکی خورد و هر چیزی را نباید خورد. زمان و حساب و کتاب داره، همین‌طور دادن آنتراکت. هر یکربع، پنج دقیقه آنتراکت لازم است، هر کس فقط پا جا پای نفر جلویی می‌ذاره. آیا کسی سؤال داره؟...

کلاف زرد آفتاب داشت باز و باز تر می‌شد. پرندگان کوهی چهچهه سر داده بودند. نسیم خنکی می‌وزید و پوست را نوازش می‌داد. علی ناگهان برگشت. هاله‌یی از شادی روی قرمزی گونه‌هایش سایه افکنده بود، نگاهی به انتهای ستون که منظم و با گامهای ریتمیک، صخره‌ها را می‌نوردید و پیش می‌آمد انداخت، گویی بنابه تجارب پیشین خود خوب می‌دانست که وقتی خستگی به ضمیر راه می‌یابد، حضور خود را تحمیل خواهد کرد و راهپویان را وادار خواهد نمود، ازحرکت بازمانند، یا به درستی راه و یا اساساً به وجود قله شک کنند، از این رو فریاد زد:

ـ آهای بچه‌ها ! کوهپیمایی بدون سرودن می‌شه. سرود طول راه رو کم می‌کنه، باعث می‌شه خستگیها رو فراموش کنیم. همه یکصدا بامن:

ای رفیقان، آی امان قهرمانان!
جان در ره میهن خود بدهیم
بی‌محابا
...
از تن ما خون بریزد
از خون ما لاله ریزد
پر لاله و گل بشود همه جا چون گلستان
پر لاله و گل بشود همه جا چون گلستان

فریادها در هم می‌آمیخت و به سینهٔ صخره‌ها می‌خورد و پژواک آن تا فرسنگها می‌پیچید. گویی کوه پیام را می‌نیوشید و با هزاران دهان آن را باز پس می‌داد. آشکارا خون تازه‌یی در رگان همه به جوش می‌آمد و موها از شنیدن نخستین سرود جمعی بر اندام سیخ می‌شد. حس می‌کردم کوه نیز هم‌آواز با ما سرود می‌خواند.

کوروش اعلام کرد:

ـ پنج دقیقه آنتراکت!

محمد متقابلاً گفت:

ـ جیرهٔ هرکس در این مرحله دو عدد خرماست.

علی:

ـ تا قله، دو منزل دیگر در پیش داریم، کوهنورد باید سبکبال باشه. نشستن، فقط برای نفس‌تازه‌کردن و ادامهٔ پیمایش با انرژی جدیده. ما نباید در این مرحله که به هدف نرسیدیم، زیاد به استراحت فکر کنیم. زیاد در یک جا ماندن، همان و سرد شدن و از صعود به بلندی صرفنظر کردن همان.

قله از پایین بزرگ و نزدیک به چشم می‌آمد؛ آن‌چنان‌که گویی به یک پیمایش نیم‌ساعته می‌توان به آن دست یافت. تا آن لحظه چهار ساعت پی در پی راه رفته بودیم. محسن که آثار خستگی در چهره‌اش نمایان بود بعد از عبور از یک صخره، دست روی کمرش گذاشت و گفت:

ـ من یکی دیگه آمدنی نیستم، پام گرفته...

سعید حرف او را پی گرفت:

ـ من هم حسابی خسته شدم، نمی‌شه، این هفته از بالا رفتن و رسیدن به قله کوتاه بیایم. همین جا محل خوبی برای نشستنه.

علی که تیز و قبراق از تخته سنگی به تخته سنگ دیگر می‌پرید و ناخودآگاه، گاهی به قله و گاهی به همراهان خودچشم می‌دوخت و برای مراحل بعد طرح و نقشه می‌کشید، با شنیدن حرف سعید و محسن ایستاد:

ـ بچه‌ها خستگی یه واقعیته، ولی راه‌حل داره. ما نباید اجازه بدیم خستگی جسمی در وجود ما تبدیل به خستگی روحی بشه. اجازه‌دادن به خستگی روحی باعث می‌شه، کوهنورد اول به توانمندی خودش و دیگران، بعد و در ادامهٔ تسلیم به خستگی، به راه و ضرورت فتح قله شک بکنه و فاجعه این‌جاست. ما این‌همه سختی رو به جان خریدیم که به قله برسیم. شیرینترین لحظه رسیدن به ستیغ قله‌س. وقتی به اون برسیم، همهٔ خستگیها از تن در می‌ره. ما نود درصد راه رو اومدیم، در پیمایش ده درصد باقیمانده باید سراپا انرژی بود. بارهای اضافیتونو بین دیگران قسمت کنین. الان در نقطه‌یی هستیم که نه با توان عضلانی که با عشق ورزیدن و کمک به هم می‌تونیم قله رو فتح کنیم.

ستون که دوباره راه افتاد، دیگر از خستگی خبری نبود.

×××

اشعه‌های زرد طلایی آفتاب با آسمان لاژورد فام می‌آمیخت و رنگ دلپذیری به‌وجود می‌آورد. هر چه به آسمان نزدیکتر می‌شدیم، آن رنگ شفاف و شفافتر می‌شد. عقاب تنهایی، با بالهای گسترده و چشمان مغرور، بر تارک قله چشم در چشم آفتاب، بیکرانگی یکدست اوج را حراست می‌کرد.آن‌جا هوا به گونه‌یی دیگر بود. کم کم صخره‌های قهوه‌یی و آبی و خاکی، جای خود را به برفهای دست نخوردهٔ ستیغ داد، این برفها در تمامی فصول روی گردن و کاکل کوه ـ مانند تاجی از نقره ـ می‌درخشیدند و از یک زمستان به زمستان دیگر منتقل می‌شدند، گویی دستان گرما را به آن اوجها راه نبود و قانونی بالاتر از ارتفاع ابرها، آن‌جا حکم می‌راند. احمد به شوخی گفت:

ـ اگه هوا ابری بود الان سر ما توی این تقطه از قله، مثل کوه دالاخانی بالاتر از ارتفاع ابرها بود.

رضا دست یازید و تکه‌یی از برف بکر قله را کند و به دهان گذاشت، آن‌گاه خندید و گفت:

ـ چقد سفید و پاکه ! مثل پشمک می‌مونه.

ـ زیاد نخور بدنت عرق کرده، سینه پهلو می‌کنی.

این صدای پرویزبود که بنا به مسئولیتش دائم مسائل پزشکی را برای سلامتی گروه، یادآور می‌شد. علی که در مسافتی جلوتر از گروه صعود می‌کرد، به نقطه‌یی از کوه که رسید، ایستاد و ناگهان به‌طرز شوق‌آور و انگیزاننده‌یی فریاد زد:

ـ بچه‌ها رسیدیم. عزم شما بالاخره قله برافراشتهٔ دالاخانی را فتح کرد.

رضا گفت: «هورا!»

بقیه محکم دست زدند.

منصور در وقفهٔ کوتاه پس از فروکش‌کردن صدای دست زدن از خود بی‌خود شد:

ـ وه! تا حالا نمی‌دونستنم عقاب چرا این‌قدر مغروره. اون‌جا رو نیگا کنین!

همه بی‌اختیار برگشتیم و به سمتی که او نشان می‌داد، چشم دوختیم: زیر پایمان انحنای گردهٔ قهوه‌یی و سبز زمین به‌خوبی دیده می‌شد، تا آن هنگام، وقتی در سطح زمین چشم به پیرامون می‌انداختیم، در چشم‌انداز تنها پدیده‌های محدودی را می‌توانستیم ببینیم، اما در بالای قله، تا مسافتهای طولانی، روستاها، شهرها، کشتزارها، باغات، جویبارها و درختان ـ چون فرشی رنگارنگ ـ زیر پا گسترده شده بودند و ما مانند خدایان ـ از فراز کنگرهٔ کاخ بلند مرتبهٔ خویش ـ بر قلمرو حاکمیتمان با طمأنینه می‌نگریستیم.

ابوالقاسم:

ـ اگه من جای قله بودم، همیشه از فخر سرم به آسمان می‌سابید از اینجا شهر عین یه قوطی کبریت دیده می‌شه. وقتی آدم این‌جا میاد، تازه گوشه‌یی از قدرت خدا رو به چشم می‌بینه. بیچاره شاهچراغی! فکر می‌کنه همه چیز دست اونه.علی به دور دستان نظری انداخت و آهسته زیر لب زمزمه کرد:

حنیف می‌گه:

ـ کوهستان همیشه آغوش مردان پاک است.

این جمله چند بار در ذهنم پژواک انداخت، یادم می‌آید یکبار نیز در جمع از علی پرسیدم: این «حنیف» که می‌گفتی کیه؟ اما علی با عوض‌کردن موضوع صحبت، پاسخ نداد و دیگران نیز به طرز معنی‌داری سکوت کردند. احمد پا برهنه وسط این غائلهٔ بیصدا دوید و بحث را منحرف کرد:

ـ بچه‌ها اگه کسی تونست یه دقیقهٔ تمام دستشو توی چشمهٔ بالای دالاخونی بذاره و دستش یخ نزنه من بهش جایزه می‌دم معلوم می‌شه...

محمد حرفش را قطع کرد:

ـ تا ده دقیقهٔ دیگه نهار آماده‌س.

علی از جایش بلندشد:

ـ بچه‌ها می‌خواهیم قبل ازنهار، نماز رو جمعی برگذار کنیم.

×××

پس از دو شبانه روز، آن‌گاه که از خلوت‌گزینی در آغوش منزه کوهستان، به سوی شهر در دامنه‌ها هبوط کردیم، حس کردم چیزی از جنس هوای پاک کوهستان در خون جوانم لانه کرده است و می‌توانم کمی بفهمم چرا پیامبران و پاکان نیز به غارها در بلندای کوهستان ـ آن‌جا که جز ستاره و عقاب و توفان نمی‌زید ـ پناه می‌برند. بدون این‌که بدانم، یکسال قبل از سقوط دیکتاتوری سلطنتی، قدم به جمع مردان پاک و آموزشهای مقدماتی برای انقلابی‌شدن گذاشته بودم. کوهپیمایی اولین آموزش بود.

اسطوره‌یی در آسمانهای رؤیاهای من

احمد محکمی ـ اشرف

خانهٔ آجری قدیمی دو طبقه‌یی در یکی از محله‌های قدیمی تهران، دیواری با رنگ کرم پلاستیک با یک متری کف، خط قهوه‌یی باریک، بقیه‌اش تا زمین رنگ روغنی کرم سیر، طاقچهٔ ما ۳قسمت داشت که بر روی طرفین آن هرکدام یک چراغ گردسوز استیل با شیشه‌یی بلند قرار داشت. وسط این طاقچه در پایین، لولهٔ بخاری به دودکش وصل می‌شد، تمامی زیر طاقچه گچ بری زیبایی داشت که گلهای مختلف با رنگهای متنوع در هم پیچیده شده بودند.

بالای طاقچه در وسط یک‌آینه، یک‌ساعت شماطه‌دار و بالاترِ آن یک پوستر رنگی نصب شده بود، این پوستر و این صحنه را بعد از ۲۶سال هنوز خوب به یاد دارم.

وقتی من با قد کوتاهم روبه‌روی این طاقچه واین پوستر در اتاق نشیمن خانه‌مان می‌ایستادم، در این عکس و ابهت چهرهٔ آن غرق می‌شدم. نارنجک بزرگ، نقاشی شعلهٔ انفجار طلایی و قرمز و در وسط آن چهره‌یی سیاه قلمکاری شده، مصمم و آرام.

احمد رضایی، نامی که همان روزها آن‌را یاد گرفتم و به‌خاطر سپردم، اسطوره‌یی در آسمانهای رؤیاهای من آیا می‌شود انسانی در آن خاموشی و سکوت سرد شاهنشاهی با وجود خودش شعلهٔ فروزانی گردد که تا سالها بعد از آن هم همه از او الهام بگیرند؟

مگر می‌شود این همه فدا کرد. راستی او خودش را به‌خاطر آزادی خلقش و من و دیگران این گونه فدا کرد؟

احمد هیچ به دشمن نداد نه جسم بی‌جانش را و نه حتی سلاحش. فکر می‌کنم این جمله را از مسعود رجوی شنیده‌ام.

بیست و شش سال بعد از آن روزها من در سن ۳۸سالگی در اشرف دارم این سطور را به رشتهٔ تحریر در می‌آورم.

راه و یاد احمد الهام بخش من و هزاران هزاری شد که در آن دوران پا به عرصهٔ فعالیتهای اجتماعی و سیاسی گذاشتیم. احمد از چهره‌هایی بود که من با هر نگاه به او عزمم برای پیوستن به آرمان برحقش بیشتر می‌شد.

چهرهٔ احمد رضایی در آن عکس از آرامشی برخوردار بود که انگار همان یقین و آرامش را به من هم منتقل می‌کند. او به راستی یکی از بزرگترین انقلابیون عصر ما به شمار آمده و راهگشای نسلی پیشتاز شد.

اولین شهید سازمان پر افتخار مجاهدین خلق ایران آن‌هم در نظام ستم‌شاهی حتماً انسانی را می‌طلبید که لیاقت به دوش‌کشیدن این عنوان را داشته باشد.

احمد و سایر مجاهدینی که درآن دوران سیاه خفقان پا به عرصه مبارزه انقلابی گذاشتند، می‌دانستند که در این مسیر فدا خواهند شد و معروف بود که بین خودشان می‌گفتند عمر یک انقلابی ۶ ماه است، یعنی از وقتی که پا به عرصهٔ مبارزه می‌گذارد حداکثر ۶ماه بعد شهید خواهد شد، آنها با چنین چشم‌اندازی به این میدان وارد شدند و در این مسیر ثابت‌قدم ماندند، راستی آخوندهای موج‌سوار و دزد در آن روزها کجا بودند؟

گاهی لحظاتی به ذهنم رسیده بود که حیف شد، حیفِ آن‌همه فدا و قربانی، آن‌هم از چنین نوابغی چون احمد که در این مسیر رفتند و در نهایت خمینی شیاد آمد و همه را به یغما برده و نابود کرد.

بعد از این لحظه خودم را سرزنش کردم که کدام حیف، آنها خون خود را پای بنای نوپایی چون مجاهدین ریختند و آن‌را با خون خود آبیاری کردند. درختی که الآن چون کوهی سر به فلک کشیده و شاخ و برگ آن در تمامی ایران زمین و جهان گسترده است.

اگر خون احمد و احمدهای دیگر در آن دوران نبود بی‌شک من و سایرین در این مسیر نمی‌آمدیم، چراکه راهنما و شاخصی نداشتیم. خون آن مجاهدین امروز در رگهای ما جاری است و خدا کند که بتوانیم از عهدهٔ مسئولیتی که در این دوران سهمگین بر دوش داریم برآییم.

هیچ چیز حیف نمی‌شود. هستی

مسیر خود را طی می‌کند و تکامل اجتماعی فرزند انسان بدون فدیه و قربانی راهش باز نمی‌شود و این واقعیت را آن پیشگامان ما بهتر از هر کسی درک کرده بودند. درود بر عزم جزمشان، راهشان پر رهرو باد، درود بر احمد رضایی، رضا رضایی، مهدی رضایی، آذر رضایی، مهین رضایی و... سایر شهدای این خانوادهٔ قهرمان. هرسال روز یازده بهمن‌ماه وقتی به‌یاد احمد می‌افتم ناخودآگاه در ذهنم به اتاق نشیمن خانه‌مان می‌روم که تنها پوستر احمد روی دیوار آن نصب بود، عجب شکوه و عجب صلابتی.